

## The Role of Islamic Economics in Foreign Trade: Analysis of Verses and Narrations in Interaction with Non-Islamic Countries

2

Saeid Mohammad Beigi<sup>1</sup>

Vol. 2  
Autumn 2025  
P.P: 29-73

Research Paper

Received:  
10 September 2024  
Accepted:  
2 March 2025

### Abstract

The expansion of the needs of today's Muslim societies and their inability to meet all of them within their geographical borders has led them to trade outside their borders; in this context, the present study has examined the perspective of Islamic economics in relation to a part of the foreign trade of Muslim countries with other non-Muslim countries. The present study has been designed around two axes: collecting, classifying and interpreting verses and narrations related to trade and examining the Sharia perspective on how to direct trade with non-Muslim countries with regard to the noble verses and narrations. This study, which was conducted in relation to the interpretation of noble verses using the interdisciplinary analytical interpretation method, shows that the verses related to foreign trade with non-Muslim countries can be divided into five categories. These five groups of verses, together with the noble narrations, are used in this way, considering the mutual benefits that exist in foreign trade, an Islamic country that trades with other countries brings them benefits. If this benefit is through exports, it actually solves one of their problems, and if it is through imports, it brings them benefits. Since the lawgiver prefers Muslims over non-Muslims, he also prefers Muslims over non-Muslims in bringing benefits, and as a result, the priority of exports and imports to Islamic countries is considered by the lawgiver.

**Keywords:** Balance sheet items, bank guarantees, letters of credit, credit risk, default rate

<sup>1</sup>Ph.d Student, Imam Khomeini Educational & Research Institute, Qom, Iran  
[beigi.1992@gmail.com](mailto:beigi.1992@gmail.com)



## نقش اقتصاد اسلامی در تجارت خارجی: تحلیل آیات و روایات در تعامل با کشورهای غیراسلامی

سعید محمد بیگی<sup>۱</sup>

### چکیده

گسترش نیازهای جوامع مسلمان امروزی و عدم توانایی آن‌ها در برطرف کردن تمام آن‌ها در داخل مرزهای جغرافیایی خود آن‌ها را به سمت داد و ستد در خارج از مرزهای خود سوق داده است؛ در این زمینه پژوهش حاضر به بررسی دیدگاه اقتصاد اسلامی در ارتباط با بخشی از تجارت خارجی کشورهای مسلمان با دیگر کشورهای غیراسلامی پرداخته است. پژوهش حاضر حول دو محور جمع‌آوری، دسته‌بندی و تفسیر آیات و روایات مرتبط با تجارت و بررسی دیدگاه شریعت در چگونگی جهت‌گیری تجارت با کشورهای غیراسلامی با توجه به آیات شریفه و روایات طراحی گردیده است. این پژوهش که در ارتباط با تفسیر آیات شریفه با روش تفسیر تحلیل میان رشته‌ای انجام شده است، یافته‌هایش نشان می‌دهد که آیات مرتبط با تجارت خارجی با کشورهای غیرمسلمان به پنج قسم قابل تقسیم هستند. از مجموع این پنج طایفه آیات به ضمیمه روایات شریفه این گونه استفاده می‌شود که با توجه به منافع دوسویه‌ای که در تجارت خارجی وجود دارد کشور اسلامی که با دیگر کشورها تجارت انجام می‌دهد منافی به آن‌ها می‌رساند، اگر این منفعت از طریق صادرات است در حقیقت مشکلی از مشکلات آن‌ها را حل می‌کند و اگر از طریق واردات است منفعتی به آن‌ها می‌رساند، و از آنجا که شارع، مسلمان را بر غیر مسلمان ترجیح می‌دهد لذا در رساندن منافع نیز مسلمان را بر غیر مسلمان ترجیح می‌دهد و در نتیجه اولویت صادرات و واردات به کشورهای اسلامی مورد توجه شارع می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** اقلام زیرخط ترازنامه، ضمانت‌نامه بانکی، اعتبارات اسنادی، ریسک اعتباری، نرخ نکول

DOR:.....

## مقدمه و بیان مسئله

نیازهای رو به گسترش جوامع امروزی در استفاده از کالاها و خدمات مختلف و عدم توانایی آن‌ها در تولید تمام نیازهایشان، بشر امروزی را به سمت تجارت خارجی سوق داده است (فرانتی و همکاران، ۲۰۰۲؛ امیری، ۱۳۸۰؛ رزاقی، ۱۳۶۶). امروزه این مطلب یک حقیقت به اثبات رسیده است که جوامع در تولید بعضی کالاها و خدمات دارای مزیت نسبی هستند، به این معنا که می‌توانند آن کالاها و خدمات را با هزینه کمتر نسبت به دیگر کشورها تولید کنند و در مقابل کشورهای دیگری هستند که در تولید کالاها و خدمات دیگری دارای مزیت نسبی هستند (سالواتوره، ۲۰۱۳؛ آکروگمن، ۲۰۰۳).<sup>۱</sup> در نظریه‌های متداول تجارت خارجی چنین بیان می‌شود که هر کشوری باید در آن کالا و خدماتی که دارای مزیت نسبی می‌باشد تخصص یابد و با مبادله مازاد آنچه در آن تخصص یافته است با دیگر کشورها که در اموری دیگر دارای مزیت نسبی هستند، منافع حاصل از تجارت را حداکثر کند (کارباخ، ۲۰۰۵؛ تامسون، ۲۰۰۶؛ سالواتوره، ۱۹۸۷) همچنان که اقتصاد ایران با داشتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری فراوان در بهره‌برداری و استفاده حداکثری از این ظرفیت‌ها در راستای خالص ارزآوری مثبت برای کشور (شعیب و همکاران، ۱۳۹۵) می‌تواند از این فرصت‌ها در راستای بهبود توسعه کشور بهره‌برداری کند، در راستای این بهره‌برداری‌ها، بخشی از تجارتی که کشور ایران با آن روبه‌رو می‌باشد، تجارت با کشورهایی است که به اصطلاح در فقه اسلامی به بلاد کفر از آن‌ها تعبیر می‌شود.

به علاوه این که توجه به سیاست‌های کلی اقتصاد ایران همچون بند دوازدهم از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان نشان می‌دهد که بحث تجارت خارجی یکی از اولویت‌ها و اصول کلی این سیاست در حوزه اقتصاد به شمار می‌آید. در همین ارتباط یکی از اهداف اصلی تحقیق، تبیین مولفه‌ها و محورهای تجارت خارجی موفق در پیشبرد اهداف کشور به سمت توسعه اسلامی و آسیب‌شناسی این حوزه در زمینه دیدگاه قرآن و روایات می‌باشد، در واقع تجارت خارجی

1 Ferranti et al. (2002)

2 Salvatore (2013)

3 Krugman (2003)

4 Carbaugh (2005)

5 Thompson (2006)

همان‌گونه که می‌تواند به تقویت اقتصاد کشور کمک کند می‌تواند موجب شکنندگی و آسیب‌پذیری آن نیز بشود. برای نمونه، سهم بالای مبادلات خارجی با کشورهای کفر یکی از مواردی است که در سوره مائده، آیه دوم، می‌تواند تحت عنوان کمک کردن به گناه قرار گیرد، که در ادامه خداوند متعال عواقب چنین کمک‌رسانی را عقوبتی سخت می‌داند، چرا که اطلاق این عقوبت می‌تواند شامل آسیب‌پذیری اقتصاد کشور نیز بشود. در این زمینه این سوال مطرح است که آیا صادرات و واردات در اقتصاد ایران، در صورتی که با کشورهای غیراسلامی باشد، می‌تواند به تقویت مقاومت اقتصاد کشور کمک کند. به بیان دیگر، چه اصولی باید بر روابط تجارت خارجی حاکم باشد که آن‌را در راستای تحقق اهداف اقتصاد ایران از جمله تقویت درونزایی و برون‌گرایی قرار دهد. بر این اساس بررسی رویکرد اسلام در تجارت بین‌الملل برای شناخت دقیق آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از این ناحیه و ارائه راهکارهایی برای اصلاح آن ضروری به نظر می‌رسد. فرضیه اصلی این پژوهش آن است که رویکرد تجارت بین‌المللی اسلام بر اهمیت دادن به کشورهای مسلمان نسبت به غیر آنان شکل گرفته است، در حقیقت رویکرد اسلامی بر اولویت تجارت با کشورهای اسلامی نسبت به کشورهای غیراسلامی تاکید دارد.

در این زمینه برای روشن شدن اولویت صادرات به کشورهای مسلمان در ابتدا بخشی از این تجارت خارج از مرزها که مربوط به کشورهای غیراسلامی می‌شود از دیدگاه قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه به بررسی روایات و سیره معصومین پرداخته می‌شود. بخشی که در ارتباط با بررسی آیات قرآن کریم می‌باشد، حول دو محور جمع‌آوری، دسته‌بندی و تفسیر آیات مرتبط با تجارت با کفار در قرآن کریم و دلایل ممنوعیت یا جواز تجارت با آنان با توجه به آیات شریفه طراحی گردیده است. این بررسی که با روش تفسیر تحلیل میان رشته‌ای انجام شده است، یافته‌هایش نشان می‌دهد که آیات مرتبط با تجارت خارجی به پنج قسم قابل تقسیم هستند؛ ۱. آیات نهی از تجارت با کفار ۲. آیاتی که مومنان را به تجارت نکردن با کفار ترغیب می‌کند ۳. آیاتی که به آثار عدم تجارت اشاره دارد ۴. آیاتی که به پیامدهای سوء تجارت با کفار اشاره دارد ۵. و در نهایت آیاتی که به دفع شبهه از مومنین در صورت آثار عدم تجارت با کفار اشاره دارد. از نوآوری‌های پژوهش حاضر نیز می‌توان به این اشاره نمود، که بعد از بررسی مجموع آیات شریفه قرآن کریم و روایات در مورد تجارت با کشورهای غیراسلامی، توانسته است دسته‌بندی بدیعی از آن‌ها ارائه

دهد، علاوه بر این که از بعضی از آیات شریفه نکات بدیع و نو، طبق قوانین تفسیری و به دور از تفسیر به رای یا تحمیل نظرات شخصی بر قرآن کریم، استخراج گردیده است.

## روش‌شناسی

روش این تحقیق در بررسی آیات قرآن کریم «تحلیل میان رشته‌ای» است. «تحلیل میان رشته‌ای» از فنون مربوط به روش اصالت هم‌محور<sup>۱</sup> در پژوهش‌های مطالعات دینی می‌باشد. روش اصالت هم‌محور به تمام راهکارهایی گفته می‌شود که مفسر سعی می‌کند اصالت را به یک رشته خاص در پیگیری مراد از آیات نداده، در واقع به این نکته توجه دارد که غیر از ابزارهای رشته علوم قرآن و حدیث در بررسی آیات، علوم دیگر نیز احتمالاً از حقایقی در کمک به تفسیر علوم قرآن بهره‌مند هستند، و این امکان می‌تواند برای علوم دیگر نیز فراهم باشد که چالش‌هایی را در زمینه رهیافت‌ها و راه کارهای استفاده شده از آیات، ایجاد کنند.

روشن است که مسئله تجارت با کفار مسئله‌ای چندتباری<sup>۲</sup> است که حداقل می‌توان گفت ریشه‌های مسائل مربوط به آن را می‌توان در دو حوزه مطالعاتی و دو علم مجزا مورد بررسی قرار داد.

تفسیر آیات قرآن کریم با استفاده از روش تحقیق تحلیل میان رشته‌ای، از آن جهت که از رهیافت‌ها و رویکردهای علم اقتصاد بهره می‌برد مبتنی بر واقع‌گرایی با استفاده از گزاره‌های تحقیقی و هنجاری می‌باشد. ریشه پیدایش واقع‌گرایی روش‌شناختی در علم اقتصاد اسلامی را باید در آثار شهید صدر جستجو کرد. توکلی در مقاله‌ای تحت عنوان «پژوهشی در تعیین حدود و مرزهای مبانی معرفت‌شناسی اقتصادی اسلامی» با استناد به بخشی از سخنان شهید صدر در صدد است که این واقع‌گرایی را به واقع‌گرایی اصلاحی تعبیر کند:

شهید صدر در کتاب اقتصادنا از رویکردی واقع‌گرایانه در اقتصاد اسلامی دفاع می‌کند که آن را واقع‌گرایی اصلاحی می‌نامیم. بر اساس این دیدگاه اقتصاد اسلامی، تنها روایت‌گر و تبیین‌کننده

1coaxial genuineness

2multipleorigens

وضع موجود نیست؛ بلکه تلاش می‌کند واقعیت اقتصادی را تغییر داده و به سمت وضعیت مطلوب بکشاند (توکلی، ۱۳۹۵، ص ۱۷، ۱۸).

پژوهش حاضر معتقد است روش شناختی اقتصادی شهید صدر در کشف و استخراج نظریات اقتصادی که در کتاب اقتصادنا از آن سخن به میان آمده، و روش تحقیق تحلیل میان رشته‌ای بر آن تکیه دارد، مبتنی بر واقع‌گرایی با استفاده از گزاره‌های تحقیقی و هنجاری مرتبط با اقتصاد در اسلام است، این نوع واقع‌گرایی می‌کوشد تبیینی حقیقی و به دور از آرمان‌گرایی با استفاده از سیاست‌گذاری، پیش‌بینی، ارزیابی، برای برون‌رفت از مشکلات ارائه کند. این نوع تحلیل از واقع‌گرایی با واقع‌گرایی انتقادی تا حدودی همساز است و وجه تمایز آن با واقع‌گرایی انتقادی می‌تواند در این باشد که واقع‌گرایی مبتنی بر گزاره‌های تحقیقی و هنجاری از لایه پیش‌بینی نیز برخوردار است. طهرانی زاده و افروغ در زمینه واقع‌گرایی انتقادی معتقد هستند که:

از دیدگاه واقع‌گرایان انتقادی، واقعیت از سه لایه تجربی، بالفعل و واقعی برخوردار است. روابطی که در آزمایشگاه مشاهده شده یا می‌تواند مشاهده شود (لایه تجربی)، و روابطی که می‌تواند به وقوع بپیوندد، حتی اگر به وقوع نپیوسته باشد (لایه بالفعل)، همه ناشی از سطح زیرین واقعیت است که از ساز و کار علی برخوردار بوده و به هیچ وجه قابل مشاهده نیست (لایه واقعی) (طهرانی زاده و افروغ، ۱۳۹۳، ص ۳).

در تحلیل میان‌رشته‌ای سعی می‌شود تا با جمع‌آوری گزاره‌های مربوط به موضوع مورد نظر از طریق رجوع به رشته‌های مربوطه و عرضه آن‌ها بر قرآن، نظریه قرآنی مطلوب کشف گردد. این کثرت‌گرایی در استفاده از علوم مختلف در روش تحقیق «تحلیل میان رشته‌ای»، و در استفاده و کشف گزاره‌های حقیقی کمک‌کار، برای استخراج نظریه قرآنی مرتبط با موضوع مورد مطالعه، مبتنی بر تفسیر موضوعی قرآن می‌باشد.

## پیشینه موضوع

بحث تعامل و ارتباط مسلمانان با کشورهای غیراسلامی و حدود و مرزهای مجاز این ارتباط در پژوهش‌های متنوعی به آن پرداخته شده است. در این زمینه این اتفاق نظر در میان تمام این تحقیقات وجود دارد که دشمنانی که وارد نزاع مسلحانه می‌شوند جان و مال خود را در معرض مصادره قرار داده‌اند و به اصطلاح کفار حربی بر آن‌ها اطلاق می‌گردد هیچ‌گونه ارتباطی با آن‌ها جایز نمی‌باشد. اما به غیر از این دسته مشخص، تحقیقات دیگر در مشخص کردن حدود ارتباط با کفار به چند دسته تقسیم می‌شوند. در این زمینه در بیشتر این تحقیقات بر آیه نفی سبیل، سیره مبارک پیامبر اکرم (ص) در مواجهه با کفار، قوانین حقوقی در زمینه ارتباط با کفار، و احکام و مصالحی که در جامعه اسلامی در مورد ارتباط با کفار اقتضاء می‌کند به عنوان عوامل محدود کننده و تعیین کننده حدود ارتباط با کفار اشاره گردیده است، به عنوان مثال در مورد آیه نفی سبیل و ارتباط آن در زمینه تعامل با کافران تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است، در همین راستا پژوهش‌های گسترده‌ای وجود دارد که ارتباط آیه نفی سبیل و برقراری ارتباط به صورت عام یا در زمینه‌ای خاص با کفار را مورد بررسی قرار داده است، به عنوان نمونه سجادی (۱۳۸۰)، زاهدی (۱۳۸۵)، ضیاءبخش (۱۳۸۶)، رحمانی (۱۳۸۶)، حاجی علی (۱۳۸۷)، مهدوی و اکبری (۱۳۹۱)، ادیبی مهر (۱۳۹۲)، زارعی و همکاران (۱۳۹۲)، رضایی و هاشمی (۱۳۹۴)، علوی و ثوقی (۱۳۹۶)، صفرخانی و همکاران (۱۳۹۷)، به تاثیرات منفی این آیه بر روی ارتباط با کفار اشاره می‌کنند و بنابراین بر طبق آن این طور استدلال می‌کنند که این آیه هر گونه رابطه‌ای که موجب سلطه کفار بر مومنین گردد را ناروا دانسته و لذا مطلق ارتباط با کفار که روابط اقتصادی نیز از جمله این ارتباط‌ها می‌باشد، صحیح نمی‌باشد. البته در این زمینه مقالاتی همچون خوشبخت (۱۳۹۳)، هاشمیه و رحیمی (۱۳۹۴)، احمدوند و همکاران (۱۳۹۵)، قبولی و همکاران (۱۳۹۵)، حسینی و ناظری (۱۳۹۵)، شکاری و همکاران (۱۳۹۶)، احمدوند و همکاران (۱۳۹۶)، باقری و همکاران (۱۳۹۷)، المیر و محمددخت (۱۳۸۷)، دهقان کلشادی و رضویان (۱۳۹۶)، کیانی (۱۳۹۵)، نیز وجود دارد که علی‌رغم بررسی و مورد توجه قرار دادن حکم نفی سبیل معتقد هستند این حکم محدودیتی در روابط اقتصادی مسلمانان با کفار ایجاد نمی‌کند. البته اسدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی سیاست خارجی حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن» به بررسی اصول حاکم بر سیاست خارجی همچون اصل نفی سبیل می‌پردازد و سعی دارد با روشن شدن اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی، دولت‌های اسلامی روابط

خارجی خود را تنظیم کنند، البته این مقاله اصولی همچون نفی سیل را در تایید عدم رابطه با کفار آورده است و از طرف دیگر به اصول همچون اصل احترام متقابل بین المللی استناد کرده است بدون این که مشخص سازد در تعارض‌هایی که بین امثال این اصول بوجود می‌آید، کدام اصل مقدم می‌گردد.

برخی مقالات در زمینه تعاملات اقتصادی مسلمانان با کفار به مصادیق موردی اشاره کرده و از این زمینه ارتباط مومنین با کفار را مورد بررسی قرار داده‌اند، به عنوان نمونه: ابراهیم‌نژاد (۱۳۹۳)، ولی‌پور و یدالله‌پور (۱۳۹۴)، سبحانی‌فخر و سیاوشی (۱۳۹۶)، به بررسی روابط دوستانه با کفار پرداخته‌اند، و این رابطه را از دیدگاه مفسرین قرآنی، نفس دیدگاه قرآن کریم و دلایل مهوریت آن در میان امت اسلامی را مورد بررسی قرار داده و بر تاثیر منفی لوازم قائلین به این دیدگاه بر برقراری رابطه با کفار اشاره می‌کنند؛ ملازاده (۱۳۹۴)، احمدپور (۱۳۹۴)، قبولی و همکاران (۱۳۹۵)، اصغری و لطیف زاده (۱۳۹۶) به بررسی موانع ترانزیت کالاهای حرام، حکم آن‌ها و رویکرد فقه امامیه در این زمینه اشاره می‌کنند و بر این نکته تاکید دارند مشهور فقیهان نظریه حرمت فروش میته را نپذیرفته‌اند و شمول قاعده حرمت کمک به گناه شامل چنین مواردی نمی‌گردد در نتیجه این که حرمت اعانه بر اثم نمی‌تواند مانع ترانزیت کالاهای حرام به کفار گردد. نجفی (۱۳۷۵)، جمال‌زاده (۱۳۸۴)، شریعتمدار (۱۳۸۵)، احمري (۱۳۸۶)، حسین‌هاشمی (۱۳۹۴)، به بررسی روابط اقتصادی و غیر اقتصادی مسلمانان با کافران و بررسی موارد فقهی و احکام فقهی چنین ارتباط‌هایی از منظر منابع فقهی و بعضاً قرآنی پرداخته‌اند، که برخی از مقالات جمال‌زاده (۱۳۸۴) و حسین‌هاشمی (۱۳۹۴) بر لزوم بازنگری در دیدگاه سنتی حاکم بر روابط با کفار اشاره دارند. ارزانی و اهتمام (۱۳۹۴) نیز به تحلیل برخی آیات قرآن کریم پرداخته شده است که ناظر به ارتباط با مسیحیان بوده، و روند تعامل با آن‌ها را بیان می‌کند، این تحقیق بیان می‌کند که می‌توان الگویی هفت مرحله‌ای از نحوه تعامل و ارتباط مسلمانان با مسیحیان از قرآن کریم استخراج نمود، و بر اساس آن هر زمان که مسیحیان به این اصل نزدیک شوند با بشارت و احترام و هرجا که از آن دور شوند، هشدار، تهدید، نفرین و مباحله را مبنای ارتباط مسلمانان با آن‌ها قرار داده است.

احمدپور (۱۳۹۴)، محسن‌زاده (۱۳۹۶)، نوبری و دیگران (۱۳۹۷)، سلیمانی (۱۳۹۴)، ابوالحسینی (۱۳۹۶)، به بازخوانی چگونگی تعاملات و سیره پیامبر (ص) پرداخته‌اند، نکته قابل توجه در برخی از این پژوهش‌ها

اشاره به این نکته است که وجود ایشان ضمن پذیرش حقوق غیر مسلمانان، هیچ‌گاه از مهرورزی و عدالت در حق آنان دریغ نورزید، و در حوزه‌هایی چون انعقاد پیمان نامه‌ها، بهره‌وری از نخبگان و داد و ستد با کافران، ضمن پذیرش و تاکید بر اصل این موارد، حدود آن را نیز مشخص نمود، این پژوهش‌ها ضمن بهره‌گیری از برخی آیات قرآن، معتقد هستند: دقت در سیره عملی پیامبر اکرم (ص) نشان‌گر این واقعیت است که آن حضرت بسیار تلاش می‌کرد با ملت‌ها و دولت‌های گوناگون، ارتباط برقرار سازد.

دهشیری (۱۳۷۸) به بررسی دیدگاه‌های اقتصادی و غیر اقتصادی تعامل با کفار با تاکید بر دیدگاه امام خمینی پرداخته است، ایشان معتقداند امام خمینی به دلیل مبانی قرآنی و فقهی که از ان بهره می‌بردند، انقطاع روابط با جهان خارج یا سیاست درون‌گرایی ویرانگر را مغایر با عقل سیاسی به شمار می‌آوردند، ایشان بر برون‌گرایی رشد محور یعنی برقراری روابط دوجانبه با کشورهای مسلمان و کافر غیر متخاصم و نیز بر سیاست چند جانبه‌گرایی مبتنی بر وحدت جهان اسلام و اتحاد ممالک مستضعف تاکید می‌کردند، این پژوهش معتقد است امام خمینی بر انجام شدن این مراحل بر اساس قاعده وسع (توانایی) تاکید داشتند. این در حالی است که بجنوردی و قادی (۱۳۹۲) با تاکید بر تاثیر تئوری مقتضیات زمان و مکان، و با توجه به این که وضع قوانین بر اساس مصالح و مفاسد می‌باشد، معتقد هستند در این دوره از زمان با تغییر بسیاری از موضوعات مرتبط با اهل کتاب و عدم وجود مصالح سابق، احکام مترتب بر آن‌ها تغییر خواهند کرد، لذا می‌توان با نگاهی جدید در احکام و قوانین شرعی مربوط به اهل کتاب تجدید نظر کرد. میرمعزی و کریمی (۱۳۹۶)، در پرتو اندیشه‌های مقام معظم رهبری، به بررسی این سوال اساسی می‌پردازد که مبنای فقهی و اقتصادی تاکیدات رهبری و علمای مشروطیت بر ضرورت مصرف کالاهای داخلی و پرهیز از مصرف تولیدات خارجی دارای مشابه داخلی چیست؟ بررسی و تحلیل بیش از بیست سند تاریخی از علمای مشروطیت و تاریخ معاصر ایران و بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که اندیشه ضرورت عدم مصرف کالاهای خارجی دارای تولید مشابه داخلی، و به بیان دیگر تجارت نکردن با کفار در این موارد، بر چهار مبنای فقهی اقتصادی: ملیت، نفی سبیل، منع تشبه به کفار و تقویت اقتصاد ملی استوار است. شهرکی (۱۳۹۱)، به بررسی قاعده نفی سبیل در آرای فقهی و مواضع سیاسی سید محمد کاظم طباطبائی یزدی صاحب کتاب عروه پرداخته است، قاعده نفی سبیل در آثار و اندیشه فقیه بزرگ سید محمد کاظم طباطبائی یزدی به نحو چشمگیری تبلور داشته است. مستند تعداد قابل توجهی از احکام در آثار فقهی ایشان، قاعده نفی سبیل بوده

و در اندیشه فقه سیاسی-اقتصادی ایشان نیز این قاعده کاربرد یافته است. فتاوا، نامه‌ها و مواضع صاحب عروه در این مسائل، ایشان را به شخصیتی بی‌نظیر در عرصه جلوگیری از سلطه و سبیل کفار بر مسلمین تبدیل نموده است، و نشان می‌دهد که ایشان بر پایه این گونه قواعد فقهی، توانسته است اقدامات اثرگذاری در جنبش‌های ضد استعماری سلطه‌گران ایفا کند.

به طور کلی مرور ادبیات مرتبط با تجارت با کشورهای غیراسلامی بر این نکته تاکید دارند که آیات و روایات شریفه محدودیت‌هایی را بر این چنین ارتباط‌هایی وضع کرده است، به هر حال چگونگی وضع این محدودیت و حدود آن موضوعی است که به نوعی باعث سردرگمی می‌شود، به علاوه پژوهش‌های اندکی در زمینه مطالعات بین رشته‌ای در ارتباط با دیدگاه قرآن کریم در زمینه معاملات اقتصادی مسلمانان با کفار وجود دارد، در نتیجه پژوهش حاضر در تلاش است تا این نکات را مورد توجه ویژه قرار دهد. به هر حال مقاله حاضر اگرچه از جهتی با دیگر منابع اشتراک دارد، لکن حاوی نکات بدیعی در استفاده از آیات و روایات شریفه و دسته‌بندی آن‌ها می‌باشد که آن را از دیدگاه‌ها و منابع دیگر متمایز می‌کند.

### ایضاح مفاهیم کلیدی تجارت با کشورهای غیراسلامی

مهمترین مفاهیم کلیدی که در ارتباط با تجارت با کشورهای غیراسلامی در آیات و روایات شریفه مورد بررسی قرار می‌گیرد کلماتی همچون: کفر، شرک و تجارت می‌باشد. پژوهش حاضر در ابتدا مشخص می‌سازد منظور از این کلمات که در خلال متن به آن اشاره می‌شود چه چیزی می‌باشد. در ابتدا برای ایضاح مفاهیم کلیدی از قدیمی‌ترین کتب لغت برای توضیح این مفاهیم بهره گرفته شده است، و در ابتدا از کتاب العین خلیل بن احمد فراهیدی استفاده شده است.

کتاب العین کفر را نقیض ایمان می‌دانند، و در همین راستا به کفار حربی قد کَفَرُوا، اطلاق می‌شود یعنی این که عصیان کردند و از پذیرش حق امتناع ورزیدند.

همچنین این کتاب کفر را نقیض شکر نیز معرفی می‌کنند. و جمله کَفَرَ النعمة، را به معنای عدم شکر نعمت می‌داند.

ایشان به طور کلی در کفر نوعی پوشش را دخیل می‌دانند و مواردی را در تایید این مطلب ذکر می‌کنند، همچون این که به تاج پادشاه تکفیر گفته می‌شود از این جهت که سر او را می‌پوشاند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۵۸).

بنابراین آن چه که می‌توان از این کتاب استفاده کرد این است که در کفر نوعی اعراض و روی گردانی از حق مشاهده می‌شود؛ که این روی گردانی گاهی عالمانه و عامدانه و گاهی ناآگاهانه واقع می‌شود.

ابن درید در توضیح واژه کفر می‌نویسد که این واژه ضد اسلام است و سپس به صیغه این واژه اشاره کرده و می‌نویسد: که یکی از مصادر این واژه کفران بر وزن فعالان مانند غفران و خسران می‌باشد. و در مورد مفهوم این لغت معتقد است که کفر به معنای پوشش بر چیزی و حفاظ آن چیز می‌باشد و همانا کافر پوششی بر قلبش می‌باشد، و در ادامه می‌نویسد که شخص زمانی که نعمتی را شکر نکند می‌گویند که، فلانی نعمت را کفران کرد، پس چنین شخصی کفور است (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۷۸۶).

آنچه را که در این مقاله از معنای تجارت یا خرید و فروش قصد شده است، همان معنای عرفی آن‌ها می‌باشد، که در بین مردم رواج دارد و از آن‌ها می‌فهمند، اما منظور از کفر همچنان که توضیح مفصل آن از منابع لغت خواهد آمد، و به کلمات فقها نیز در تبیین مقصود اشاره خواهیم کرد، و همچنان که علامه طباطبائی معتقد است، که کفر در استعمال قرآنی حتی در معنای اصطلاحی‌اش، به معنای ستر است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۱۰)، اقسام گوناگون کفار می‌باشد که در کتب فقهی به طور مفصل به آن‌ها اشاره گردیده است!

یکی دیگر از واژه‌های کلیدی که در زمره واژه‌های مشابه کفر قرار می‌گیرد و در قرآن نیز از آن بحث شده است و باید تبیین صحیحی از آن صورت گیرد تا با واژه کفر خلط نشود، واژه شرک می‌باشد.

کتاب العین در تشریح واژه شرک می‌نویسد:

شرک ظلم بزرگی است و الشُّرْکَةُ به معنای معاشرت دو شریک می‌باشد. و اشْتَرَكْنَا به معنای با هم

۱ برای اطلاع از اقسام کفار و توضیحات مرتبط با هر کدام می‌توان به کتاب «فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت» نوشته محمود هاشمی شاهرودی مراجعه کرد.

شریک شدیم گرفته شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۹۳).

ابن‌درید نیز در توضیح واژه شرک می‌نویسد:

این واژه مصدر است، و در جایی که گفته می‌شود فلان شخص با فلان شخص شریک شد این چنین شرکتی بر دو صورت می‌تواند باشد؛ یا شرکت عنان است یا شرکت مفاوضه، و شرکت عنان در قسمتی از مال معین است اما مفاوضه در تمام آن مال می‌باشد (ابن‌درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۷۳۲).

مفردات راغب در توضیح معنای شرک، آن را به معنای مخلوط شدن دو مال گرفته است، و در ادامه توضیح می‌دهند که اگر چیزی برای دو نفر به بالا باشد، شرک نامیده می‌شود، خواه می‌خواهد این مالکیت به نحو عینی باشد، یا به نحو معنوی، مانند شریک بودن انسان و اسب در حیوانیت، و در ادامه به این نکته اشاره می‌کنند که شرک انسان در دین به دو صورت می‌باشد: اولی شرک عظیم است، و آن به این است که انسان برای ذات الهی شریک قائل شود، *إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا* (نساء، ۱۱)، و دومی شرک صغیر است، و آن به این صورت است که انسان در بعضی از امور غیر خداوند را نیز دخالت دهد، مانند: ریا و نفاق، *جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ* (اعراف: ۱۹۰) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۴۵۱) *إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا* (نساء، ۱۱)، *جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ* (اعراف، ۱۹۰).

آن چه که می‌توان از بررسی این اقوال در مورد واژه شرک به آن پی‌برد این است که در شرک نوعی مشارکت دادن دیگران (به هر هدفی می‌تواند صورت گیرد) قابل استفاده است؛ و این تفسیر از واژه شرک، با آن معنایی که ما از واژه کفر کردیم که نوعی روی گردانی از حق در آن قابل استفاده بود، تفاوت دارد.

در ادامه برای بررسی رویکرد اسلام در باب تجارت با کشورهای غیراسلامی، در ابتدا به بررسی آیات شریفه قرآن می‌پردازیم و پس از مشخص شدن حد دلالت آیات، روایات شریفه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## آیات خرید و فروش با کفار

آیاتی که در قرآن کریم در ارتباط با خرید و فروش با کفار می‌باشند، به پنج طایفه قابل تقسیم هستند:

۱. آیاتی که مومنین را از تجارت با کفار بر حذر می‌دارد.
۲. آیاتی که مومنان را به تجارت نکردن با کفار ترغیب می‌کند.
۳. آیاتی که به آثار و نتایج عدم تجارت با آنان اشاره دارد.
۴. آیاتی که به پیامدهای سوء تجارت با کفار اشاره دارد.
۵. آیاتی که به دفع شبهه، در صورت عدم تجارت با آنان اشاره دارد.

توجه دادن به این نکته ضروری است که آیات دسته اول و دوم، یعنی آیاتی که از تجارت با کفار مومنین را بر حذر می‌دارد و آیاتی که مومنان را به تجارت نکردن با کفار ترغیب می‌کند، هر چند هر دو یک نتیجه را می‌دهند، و آن هم عدم تجارت با کفار می‌باشد، لکن شاید بتوان این نکته را در مورد این دو دسته آیات استفاده نمود، که دسته اول به نحو الزام این مطلب را می‌رسانند، و دسته دوم به نحو اولویت.

همچنین آیاتی که دلالت بر این قسم می‌کنند، در قرآن کریم زیاد و قابل توجه بودند و سعی شده برای رعایت اختصار به آیاتی که احیاناً دلالت واضح‌تری برای بحث حاضر دارند، اشاره شود.

## آیاتی که از تجارت با کفار مومنین را بر حذر می‌دارد

این طایفه از آیات بر شش قسم می‌باشند، و آن‌ها عبارت‌اند از:

### نهی از تولی و امر به تبری کفار

قسم اول از طایفه اول، آیاتی است که مومنین را از دوستی با کفار بر حذر می‌دارد:

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ (احزاب، ۴) «خداوند برای هیچ کس دو قلب، در درونش قرار نداده است».

میشم تمار از حضرت علی (ع) نقل می کنند که شی را در نزد حضرت بودیم و ایشان فرمودند:

هیچ بنده ای نیست که خداوند قلبش را برای ایمان آزمایش کند، مگر این که محبت ما را در قلب خود می یابد، و هیچ بنده ای نیست که خداوند بر او غضب کند مگر این که، بغض و کینه ما را در دل خود می یابد، و ما را دوست ندارد کسی که دشمن ما را نیز دوست دارد، چرا که دوستی ما و دوستی دشمن ما در یک دل جمع نمی شوند، و سپس حضرت آیه چهارم سوره احزاب را تلاوت فرمودند (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۸۵).

و عامه و خاصه از حضرت علی (ع) نقل کرده اند که فرمودند:

ما دارای رفتار، گفتار، و کردار نیک هستیم، نمایندگان ما، نمایندگان انبیاء هستند، حزب ما، حزب خداست و گروه تجاوزگر حزب شیطان هستند، هر کس ما را با آن گروه تجاوزگر برابر بداند از ما نیست (عماد الدین، ۱۳۸۳ ه ق، ص ۱۲۸) و (حسام الدین الهندی، ۱۴۰۹ ه ق، ج ۱۱، ص ۳۵۶).

بنابراین ممکن نیست کسی که ایمان و اعتقاد به خداوند و قیامت دارد، و محبت خداوند و اهل بیت در قلبش رسوخ کرده، با دشمنان خدا و دشمنان اولیای الهی دوستی داشته باشد، لا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ آيَدَهُمْ بَرُوحٍ مِنْهُ (مجادله: ۲۲) «هیچ قومی نخواهی یافت که ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشد و در عین حال با کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می کنند دوستی کند هر چند دشمن خدا و رسول پدران و یا فرزندان و یا برادرانشان و یا قوم و قبیله شان باشد؛ برای اینکه خداوند در دلهایشان ایمان را نوشته و به روحی از خودش تأییدشان کرده است».

در اینجا شاید کسی این شبهه در ذهن او خطور کند که تجارت با کفار مستلزم دوستی با آنان نیست، و شخص می تواند با آنان تجارت داشته باشد بدون آن که محبت آنان را در دل خود داشته باشد، لکن در حدیثی از امام موسی بن جعفر (ع) نقل شده است، که حضرت به صفوان بن مهران الجمال فرمودند:

همه چیز تو خوب است مگر یک چیز، صفوان فرمودند: فدایت شوم چه چیزی؟ فرمودند: این که شتران خود را به این مرد یعنی هارون کرایه می‌دهی، ایشان فرمودند به خدا این شتران را برای کار شری یا برای لُهو کرایه ندادم، و برای راه مکه آن‌ها را کرایه دادم، و خودم با آن‌ها نمی‌روم ولی غلام‌هایم را همراه آن‌ها می‌فرستم، حضرت فرمودند: آیا دوست داری تا آن‌ها زنده بمانند تا تو بتوانی کرایه خود را بگیری؟ صفوان جواب داد، بله، حضرت فرمودند، هر کس بقاء آن‌ها را دوست دارد، پس او از آن‌ها می‌باشد کسی که از آن‌ها باشد در آتش جهنم وارد شده است (محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۱۸۲).

اشکالی که می‌تواند به استفاده از مفاد این روایت در نهی از تجارت با کفار وارد شود، می‌تواند این باشد که این روایت در مورد اجاره است که عین مستاجر در دست مستاجر باقی می‌ماند و ربطی به خرید و فروش ندارد. اما جواب این اشکال واضح است، چرا که همان طور که در اجاره مومن دوست دارد آن‌ها زنده بمانند تا کرایه او را پرداخت کنند، در خرید و فروش با آنان نیز مومن دوست دارد که به فرض اگر به صورت نسبه از او کالایی را خریداری کرده‌اند، زنده بمانند تا بتوانند بدهی خود را به مومن بپردازند. آیات (نساء: ۸۹)، (نساء: ۱۳۹)، (نساء: ۱۴۴)، (مائده: ۵۷)، (مائده: ۵۱)، (مائده: ۵۷)، (آل عمران: ۱۱۹) از جمله آیات دیگری می‌باشند که به نهی از تولی کفار اشاره دارد.

حدود افراد ممنوعه برای تجارت با استناد به روایت امام کاظم (ع)، شامل حکومت‌ها، دولت‌ها و افرادی نظیر اشخاص ظالم (مانند هارون الرشید) که مستقیماً در ظلم مشارکت دارند، نهادهای حکومتی که در اجرای سیاست‌های ظالمانه نقش ایفا می‌کنند (حتی اگر کارمندان آن نهاد، افراد عادی باشند)، و هر تعاملی که به بقا یا تقویت نظام ظالمانه بینجامد، صرف نظر از اینکه طرف معامله شخص حاکم باشد یا نهادهای وابسته به او، می‌شود.

جدول (۱): تفکیک «دولت جائر» از «دولت ظالم» و سازوکارهای تجارت با آن‌ها

مفهوم	تعریف فقهی	حکم تجارت	سازوکار مجاز
-------	------------	-----------	--------------

<b>دولت ظالم</b>	حکومتی که سیستماتیک به ستم می‌پردازد (مانند حکومت هارون)	حرام مطلق، حتی اگر معامله ذاتاً حلال باشد	اجتناب کامل از هرگونه تعامل اقتصادی که مستقیم یا غیرمستقیم به تقویت نظام بینجامد
<b>دولت جائز</b>	حکومتی فاقد مشروعیت شرعی، اما بدون ظلم سیستماتیک	حکم ثانوی: جایز در صورت ضرورت یا عدم تقویت نظام	تعامل محدود به نیازهای ضروری (مانند واردات دارو) با رعایت شرایط ثانویه
<b>افراد ظالم</b>	اشخاص حقیقی که مستقیم در ظلم مشارکت می‌کنند	حرام، مگر در موارد ضرورت با رعایت اصل اضطرار	معامله تنها در حد رفع ضرورت و بدون ایجاد منفعت برای طرف ظالم

تحلیل روایت امام کاظم(ع) در خصوص نهی تجارت با هارون به دو عنصر کلیدی اشاره دارد: اول، شخص هارون به عنوان نماد «حاکم ظالم» که تجارت با او مستلزم حمایت از نظام ستمگر است و دوم، نهادهای وابسته به حکومت که در چارچوب سیاست‌های ظالمانه عمل می‌کنند. حدود ممنوعیت شامل سه سطح می‌شود: سطح اول، حاکم ظالم و نزدیکان او (حرام مطلق)؛ سطح دوم، نهادهای حکومتی درگیر در ظلم (حرام به دلیل مشارکت در سیستم ستم)؛ و سطح سوم، تعاملات اقتصادی غیرمستقیم که به تثبیت حکومت جائز کمک می‌کند (حرمت در صورت تاثیرگذاری). سازوکارهای عملیاتی شامل تشخیص مصادیق ظلم از طریق شاخص‌هایی مانند نقض سیستماتیک حقوق شهروندی، سرکوب سیاسی، و تبعیض اقتصادی؛ تفکیک معاملات بر اساس میزان ارتباط با نهادهای حاکمیتی، تاثیر اقتصادی بر بقای نظام، و وجود یا عدم وجود ضرورت؛ و تدوین دستورالعمل‌های فقهی برای موارد ابهام‌آمیز با استفاده از قاعده نفی سبیل، اصل احتیاط، و مصلحت نظام اسلامی است.

تبری در لغت به معنای دوری کردن از آنچه که از نزدیکی با آن اکراه وجود داشته باشد، معنا شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ه ق، ص ۱۲۱)، در قضیه تبری، مساله از دو جهت (کافر و مسلمان) قابل بررسی است که هر کدام از آن دو جهت نیز به سه قسم تقسیم می‌شوند. بحث را می‌توان این گونه آغاز کرد که اگر مسلمان یا دولت اسلامی اقدام به خرید کالای بلاد کفر کند در این صورت چنین معامله‌ای دو صورت در آن متصور است اول این که در این معامله سود کند، یا این که در این تجارت سود نکند، در این صورت دوم نیز دو وجه قابل تصور است یا این که در این معامله سودی نمی‌کند، و در واقع معامله سر به سر می‌شود، حالت دوم این است که در این معامله ضرر کند؛ همین حالت‌هایی که برای طرف دولت اسلامی یا شخص مسلمان تصویر شد برای طرف کافر نیز قابل تصویر است، فلذا تکرار نشده است. حال بحث این طور مطرح می‌شود که اگر بخواهیم بحث را صرف نظر از آیات شریفه دنبال کنیم، باید بگوییم که مسلمان یا دولت اسلامی در حالتی که این معامله برای آن سود داشته باشد می‌تواند آن معامله را انجام دهد و چه بسا بتوان استظهار نمود که عموماً هم‌چون یا *أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً* عَنْ تَرَاضٍ (نساء: ۲۹) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال خود را در بین خود، به باطل مخورید مگر آنکه با رضایت طرفین تجارتي در کار باشد» یا آیه شریفه *أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ* «خداوند خرید و فروش را حلال کرده است» (بقره: ۲۷۵) نیز شامل چنین معامله‌ای می‌شود اما از طرفی دیگر می‌دانیم که خداوند در آیات شریفه متعدد قرآن کریم کافران را با انواع صفت‌ها معرفی کرده است مانند آیاتی که آن‌ها را رجس، خبیث، و نجس معرفی می‌کند: یا *أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ* «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان نجسند» (توبه: ۲۸) یا آیه شریفه: *يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ* «خداوند کسانی که ایمان نمی‌آورند ناپاک قرارشان می‌دهد» (انعام: ۱۲۵) یا، *قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ* «گفت: عذاب و غضب پروردگارتان بر شما مقرر شد» (اعراف: ۷۱) یا آیات شریفه‌ای که می‌فرماید کافران، مومنین و رسول خدا و دین ایشان را مسخره می‌کنند، هم‌چون آیه: *إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلَهُمْ* «هرگاه شنیدید نشانه‌های خدا توسط افراد منافق مورد انکار و تمسخر قرار می‌گیرد پس با آنان منشینید (چون معاشرت با آنان اثربخش است) تا به سخنی دیگر پردازند و گرنه شما نیز مثل آنها خواهید بود» (نساء: ۱۴۰) و از طرفی خداوند در آیات شریفه دیگر فرموده کسانی که چنین صفاتی در آن‌ها یافت می‌شود از آن‌ها دوری کنید، و یا به طور مطلق فرموده از آن‌ها اعراض کنید، و قیدی نیز در این آیات نیست، و لذا این دوری کردن از آن‌ها شامل همه‌ی عرصه‌ها، از جمله در زمینه تجارت با

آن‌ها نیز می‌گردد؛ مانند: وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (و وقتی کسانی را دیدی که آیات ما را مسخره می‌کنند از آنها روی را بگردان تا آنکه به سخنی دیگر پردازند و اگر شیطان این معنی را از یادت برد و بعداً به یادت آمد فوراً برخیز و با قوم ستمگر منشین) (انعام: ۶۸) در این آیه شریفه علاوه بر این که دستور دوری کردن از کفار صادر شده است، آن‌ها ظالم نیز معرفی شده‌اند، که طبق مسلمات شریعت نیز این می‌باشد که مومن باید از ظالم دوری کند، یا آیه اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ «چیزهایی را که از پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن. خدایی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان» (انعام: ۱۰۶)، یا آیه سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لَتَعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ «به زودی همین که به سوی ایشان باز گردید برایتان به خدا سوگند می‌خورند تا از ایشان صرف نظر کنید و شما از ایشان صرف نظر کنید که ایشان پلیدند و جایشان به کیفر آنچه می‌کردند جهنم است» (توبه: ۹۵)، یا آیه فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ «آنچه را دستور داری آشکار کن و از مشرکان روی بگردان» (حجر: ۹۴)، بنابراین آنچه که بعد از بررسی آیات می‌توان از آن‌ها برداشت نمود، این است که باید از کفار دوری نمود و این دوری کردن شامل همه زمینه‌ها، از جمله تجارت با آنان می‌گردد.

### تجارت با کفار و خدشه دار شدن عزت اسلامی

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً «آنان که به عوض مؤمنان، کافران را دوست خود می‌گیرند از این کار، چه می‌جویند؟ اگر عزت می‌طلبند بدانند که عزت همه‌اش از آن خدا است» (نساء: ۱۳۹)

شاهد بحث ما در این آیه شریفه جمله‌ای است که می‌فرماید، أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ، که در توصیف چنین گروهی خداوند می‌فرماید، این منافقین کسانی هستند که عزت را در غیر او جستجو می‌کنند، در حالی که نمی‌دانند یا نمی‌خواهند بدانند که تمام عزت در نزد خداوند می‌باشد، در واقع اینان کسانی هستند که ولو در ظاهر اظهار تمایل به مومنین را اظهار کنند ولی در واقع با کفار هستند.

تفسیر نمونه در ذیل این آیه شریفه می‌نویسد:

این آیه به همه مسلمانان هشدار می‌دهد که عزت خود را در همه شئون زندگی اعم از شئون اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و مانند آن، نهی از تولی نجویند، بلکه تکیه گاه خود را، ذات پاک خداوندی قرار دهند که سرچشمه همه عزتهاست، و غیر خدا، از دشمنان اسلام نه عزتی دارند که به کسی ببخشند و نه اگر می‌داشتند قابل اعتماد بودند، زیرا هر روز که منافع آن‌ها اقتضا کند فوراً صمیمی‌ترین متحدان خود را رها کرده و به سراغ کار خویش می‌روند که گویی هرگز با هم آشنایی نداشتند، چنان که تاریخ معاصر شاهد بسیار گویای این واقعیت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۷۰).

تفسیر المیزان نیز بیان می‌دارد که آیه شریفه تهدیدی برای منافقین است، و آن منافقین را خداوند این گونه توصیف کرده است، که کسانی هستند که با کفار ارتباط دوستی دارند نه با مومنین، و این توصیف اعم از منافقینی است که ایمان نیاورده‌اند، و فقط در ظاهر اظهار ایمان می‌کنند، و شامل عده‌ای از مومنین نیز می‌شود، که مبتلای به دوستی با کفار هستند، کسانی که از جماعت مومنین فاصله می‌گیرند و در باطن با کفار هستند و این خود تا حدودی مؤید این احتمال است که منظور از این منافقین، طایفه‌ای از مومنین باشد که به جای مؤمنین، کفار را اولیای خود می‌گرفتند، مؤید دیگر این احتمال ظاهر آیه بعدی است که می‌فرماید: وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ... إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلُهُمْ «البتة خدا [این حکم را] در این کتاب بر شما نازل کرده که چون بشنوید... در این صورت شما نیز مثل آن‌ها خواهید شد» (نساء: ۱۴۰)، چون این آیه که خطابش به مؤمنین است برای مؤمنین، تهدید منافقین را بیان می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ هـ ق، ج ۵، ص ۱۱۵).

به آیه شریفه ۱۱۵ سوره آل عمران نیز شاید بتوان برای در خطر افتادن عزت مومنین در صورت تجارت با کفار اشاره کرد، آیه می‌فرماید: لَا يَغْرَبُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ «دنيا تو را مغرور نکند (و غمگین نشوی) آنگاه ببینی کافران، شهرها را به تصرف آورده‌اند» (آل عمران: ۱۹۶).

این آیه می‌تواند رفع توهم از مومنینی باشد که فکر می‌کنند چون کفار دارای شوکتی در شهرها هستند، آن‌ها نیز بواسطه ارتباط با آن‌ها می‌توانند دارای عزت باشند، که آیه در ادامه این توهم را دفع می‌کند. تفسیر المیزان معتقد است مومنان با این اعتقاداتی که دارند وضعشان چنین است اما کفار از رفاه در زندگی

برخوردار هستند، که آیه می فرماید چنین چیزی تو را فریب ندهد (خطاب به پیامبر و مقصود مومنین هستند) چرا که کالای آنان اندک و بی دوام است (طباطبائی، ۱۳۹۰ ه ق، ۴، ۸۹).

### تجارت با کفار و مسئله تسلط بر مسلمین

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمُ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا «همان منافقان که در انتظار فرصتند تا اگر فتحی از ناحیه خدا نصیب شما شود می گویند: مگر ما با شما نبودیم (ما هم در غنائم جنگی شریکیم) و اگر سودی نصیب کافران شود می گویند: مگر ما رهنمودهای خود را به شما نمی دادیم که با مؤمنین کنار نیاید ولی خدا در قیامت بین شما داوری خواهد کرد و خداوند هیچگاه اجازه نداده که کافران بر مؤمنان تسلط داشته باشند (نه در دنیا و نه در آخرت)» (نساء: ۱۴۱)

در این آیه شریفه می فرماید: خداوند راهی برای تسلط کافران بر مومنان قرار نداده است، علامه طباطبائی در تفسیر این آیه معتقدند که خطاب در این جمله متوجه مؤمنین است، هر چند که بر آن منافقین و کفار را نیز می گیرد و اما اینکه فرمود: و خدای تعالی هرگز کفار را ما فوق مؤمنین و مسلط بر آنان قرار نمی دهد، معنایش این است که حکم از امروز به نفع مؤمنین و علیه کافران است و تا ابد نیز چنین خواهد بود و هرگز به عکس نمی شود و این خود اعلامی است به منافقین که دیگر برای ابد از اینکه به هدف شوم خود برسند مایوس باشند و به حکم این آیه در همه دوره ها بالآخره فتح و فیروزی از آن مؤمنین و علیه کافران خواهد بود. احتمال هم دارد که نفی سبیل اعم از تسلط در دنیا باشد یعنی منظور این باشد که کفار نه در دنیا مسلط بر مؤمنین می شوند و نه در آخرت، و مؤمنین به اذن خدا دائماً غالبند، البته ما دام که ملتزم به لوازم ایمان خود باشند، هم چنان که در جای دیگر این وعده را صریحاً داده و فرموده: وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۸۹). بنابراین هر تجارتی که نوعی تسلط را برای آنها بر مومنین فراهم کند، خداوند در این آیه شریفه آن را نفی می کند.

## نفاق کفار در تجارت با مومنین

ما يودُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ «نه آنها که از اهل کتاب کافر شدند و نه مشرکین هیچیک دوست ندارد که از ناحیه پروردگارتان کتابی برایتان نازل شود ولی خداوند رحمت خود را به هر کس بخواهد (شایسته بداند) اختصاص می‌دهد و خدا صاحب برتری بزرگی است» (بقره: ۱۰۵)

طبرسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: خداوند باز در مقام حکایت از کفار فرمود: ما يودُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ دوست ندارند کافرین از اهل کتاب و مشرکین که خداوند از نزد خود خیری برای شما بفرستد. دوست ندارند کافرین چه از اهل کتاب و چه از آن‌هایی که پرستش بتهای می‌نمایند و برای خدا شریک قرار می‌دهند اینکه خداوند از خیری که در نزد او است برای شما بفرستد (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۹۸). این آیه شریفه بطور صریح به این نکته اشاره دارد که اگرچه این که کفار از در خیرخواهی مومنین، وارد شوند و مثلاً مدعی این باشند که ما قصد داریم با سرمایه‌گذاری و خرید کالای ایرانی برای جوانان ایرانی شغل ایجاد کنیم، اما در واقع آن‌ها دوست ندارند که خیری به مومنین برسد و آن‌ها فقط به دنبال منافع خود هستند.

## عدم تجارت با کفار جز در موارد اضطرار

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاءً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ «مؤمنین به هیچ بهانه‌ای نباید کفار را به دوستی خود بگیرند هر کس چنین کند دیگر نزد خدا هیچ حرمتی ندارد مگر اینکه به خاطر تقیه سرپرستی کفار را قبول کرده باشند و خداوند شما را از کیفر خود می‌ترساند همانا بازگشت همه به سوی خداست» (آل عمران: ۲۸)

این آیه می‌تواند دلالتی داشته باشد که جز در مواردی که مجبور هستید با کفار دوستی برقرار نکنید، که یکی از همین موارد دوستی می‌تواند ایجاد روابط اقتصادی با آن‌ها باشد، بنابراین مومنان جز در مواردی که مجبور هستند نباید با آن‌ها تجارت کنند، که می‌توان از جمله موارد اضطرار در تجارت با کفار، زمانی است

که نیازهای اساسی جامعه مسلمانان به دلیل عدم دسترسی به منابع داخلی تأمین نمی‌شود. در این شرایط، تجارت با کفار به منظور تأمین نیازهای ضروری مانند غذا، دارو و سایر کالاهای اساسی مجاز است. این نوع تجارت به منظور حفظ جان و سلامت جامعه مسلمانان انجام می‌شود و در شرایط اضطراری قابل توجیه است، که در این صورت می‌توان گفت مومنان می‌توانند با آن‌ها روابط تجاری برقرار کنند، البته باید به این نکته توجه داشت که در همین مورد نیز آیه می‌فرماید تقيه کنند، که این به این معناست که ولو در ظاهر با آن‌ها ارتباط دوستی برقرار شده است، اما مومنان در دل از آن‌ها بیزار هستند. در ادامه توجه به این نکته ضروری است که حتی در موارد اضطرار که گفتیم مومنین می‌توانند با آن‌ها تجارت کنند، در صورتی که مشرکین عهد شکنی کنند، و به پیمان‌های خود در تجارت پایبند نباشند، متقابلاً مومنین نیز می‌توانند عهد آن‌ها را زیر پا گذارند، خداوند در این مورد می‌فرماید:

بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ «برائت و بیزاری از خدا و رسولش نسبت به مشرکینی است که با آنها پیمان بسته‌اید (و آنها پیمان را شکسته‌اند)» (توبه: ۱)

المیزان در ذیل این آیه معتقد است که مراد آیه چنین است:

مشرکینی که با آن‌ها عهد بسته‌اید، [ای مومنان] از این عهد شما امان برداشته شده است و این رفع امان بی‌دلیل نمی‌باشد چرا که خداوند بعد از آیاتی می‌فرماید که به عهد مشرکین اطمینانی نیست و خداوند همان‌طور که در سوره انفال می‌فرماید: «وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال: ۵۸) و اگر از گروهی بیم خیانت داری [پیمانشان را] به سویشان بینداز [تا طرفین] به طور یکسان [بدانند که پیمان نقض شده است]، زیرا خدا خائنان را دوست نمی‌دارد. (طباطبائی ۱۳۹۰ هـ ق، ۹، ۱۴۷).

البته در آیه چهارم همین سوره کسانی را که به عهد خود پایبند بوده‌اند را، استثناء می‌کند، إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُواكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتَمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ «مگر کسانی از مشرکین که شما با آنان عهد بسته‌اید و ایشان به هیچ وجه عهد شما را نشکسته

و احدی را علیه شما پشتیبانی و کمک نکرده‌اند که باید عهدشان را تا سرآمد مدّتشان استوار بدارید که خدا پرهیزکاران را دوست می‌دارد» (توبه: ۴). بنابراین اگر طبق مصالحی مومنین با آن‌ها عهد تجارت بستند، ولی خلف وعده کردند، این عهد شکنی مجوزی از خداوند برای مقابله مثل است.

### آیاتی که به ترغیب مومنان به تجارت نکردن با آنان اشاره دارد تقویت روحیه جهادی ما می‌توانیم در جنگ اقتصادی با کفار

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمُ الْأُدْبَارَ «ای آنان که ایمان آورده‌اید هرگاه با تهاجم کافران در میدان کارزار، روبرو شوید مبدا از بیم آن‌ها، پشت به دشمن کرده و از جنگ بگریزید» (انفال: ۱۵)

قرائتی در تفسیر این آیه شریفه می‌نویسد: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه با (لشگرکشی و) انبوه کافران برخورد کردید، به آنان پشت نکنید و مگریزید (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۸۳). این آیه شریفه گرچه در مورد جنگ مسلمانان با کفار در صحنه نبرد نازل شده است، اما شاید بتوان از آن این استفاده را نیز کرد که در مواجهه اقتصادی با کفار نیز آیه می‌گوید به آن‌ها پشت نکنید و نگویید ما نمی‌توانیم و چاره‌ای جز فرار یا تسلیم در برابر آن‌ها برای ما وجود ندارد، بلکه بگویید ما می‌توانیم و در برابر آن‌ها مقاومت کنید، و مومنین باید بدانند همان طور که خداوند در موارد مختلفی به آن اشاره کرده است، پیروزی نهایی از آن مومنین خواهد بود.

### آیاتی که به آثار و نتایج عدم تجارت با آنان اشاره دارد

این طایفه سوم از آیات، به دو دسته قابل تقسیم می‌باشند:

#### رزق الهی

زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْحَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ «زندگی دنیا در نظر کسانی که کافر شدند زینت داده شده و به‌همین جهت کسانی را که ایمان

آوردند مسخره می‌کنند درحالی که مردم باتقوا، در روز قیامت فوق آنانند و خداوند هرکس را بخواهد (و شایسته بدانند) بدون حساب روزی می‌دهد» (بقره: ۲۱۲)

می‌توان گفت: که آیه شریفه در صدد بیان این نکته است که کفار، زندگی دنیا در برابر آن‌ها زینت داده شده است و مومنین را مسخره می‌کنند، اما خداوند خطاب به مومنین می‌فرماید اگر تقوا پیشه کنید خداوند به شما روزی خواهد داد. شاهد مثال در این آیه شریفه کلمه تقوا می‌باشد که می‌تواند به حسب زمان و مکان مصادیق خود را داشته باشد، و یکی از مصادیق آن می‌تواند نخریدن کالای خارجی خصوصاً آنهم در زمانی که مشابه آن در داخل تولید می‌شود، باشد؛ در همین زمینه تفسیر نمونه در ذیل این آیه شریفه معتقد است که شاید بتوان از بغير حساب این استفاده را کرد که خداوند در آینده به مؤمنان روزی بی حساب می‌دهد همانگونه که با پیشرفت اسلام این معنی تحقق یافت. بی حساب بودن روزی خداوند به افراد با ایمان اشاره به این است که هرگز پاداش‌ها و مواهب الهی به اندازه اعمال ما نیست بلکه مطابق کرم و لطف اوست و می‌دانیم لطف و کرمش حد و حدود ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۹۲). و همان طور که در آیه نیز به آن اشاره شده است یکی از شرایط تحقق این روزی از جانب خداوند، رعایت تقوا به معنایی که تبیین آن گذشت از جانب بندگان می‌باشد.

### نصرت الهی

و لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ «به کسانی که ستم کرده‌اند تمایل و اعتماد نکنید که جهنمی می‌شوید و غیر خدا دوستانی ندارید و یاری نمی‌شوید» (هود: ۱۱۳)

در این آیه شریفه این که منظور از ظالمین چه کسانی هستند می‌توان به آیه ۲۵۴ سوره بقره اشاره کرد که منظور کافرین می‌باشند، الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ «و کافران خود، از ستمگرانند» (بقره: ۲۵۴)، بنابراین در این آیه شریفه می‌فرماید به کافرین تکیه نکنید و یکی از مصادیق این تکیه کردن می‌تواند این باشد که بدون حفظ جوانب استقلال و حفظ منافع مسلمین، مومنین، بهبود روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و ... کشور را، در برقراری روابط تجاری با کفار، آن هم تحت هر شرایطی، و حتی اگر آن‌ها به قراردادهایشان پایبند نبودند، ببینند. بنابراین مومنین اگر می‌خواهند دچار آتش الهی نشده، و یآوری برای آن‌ها وجود داشته باشد باید از تکیه کردن به معنایی که تبیین گردید، خودداری کنند.

## آیاتی که به پیامدهای سوء تجارت با کفار اشاره دارد

این طایفه چهارم از آیات، به دو دسته تقسیم می‌شوند، و آن‌ها عبارت‌اند از:

### تبعیت از کفار و کفر انسان

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ «بگو: خدا و رسول را اطاعت کنید اگر قبول نکردند بدانند که خدا کافران را دوست نمی‌دارد» (آل عمران: ۳۲)

از این آیه می‌توان استفاده نمود، مواردی را که حتی کفار خواستار تجارت با مومنان هستند، به مومنان دستور داده شده است که از آن‌ها پیروی نکنند. و در آیه ۱۴۹ همین سوره می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ «ای اهل ایمان! اگر از کافران پیروی کنید باز شما را از دین اسلام به کفر برمی‌گردانند آنگاه شما هم از زیانکاران خواهید شد» (آل عمران: ۱۴۹) چنانچه از این فرمان سرپیچی کردید و از آن‌ها اطاعت کردید، همچنان که تفسیر المیزان به آن اشاره کرده است شما را به اعقاب خود باز می‌گردانند، و طباطبائی در تفسیر خود، ذیل همین آیه می‌نویسد: یعنی این که شما را کافر خواهند کرد. (طباطبائی، ۱۳۹۰ ه ق، ۴، ۴۳) همچنان که از ذکر جمله‌ی فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ و آن هم بعد از ذکر تَوَلَّوْا، می‌توان چنین استفاده کرد که، عدم پیروی از دستور خدا و رسول (که از جمله آن دستورات، تبری از کفار می‌باشد) انسان را در زمره کافران قرار خواهد داد که خداوند می‌فرماید، آن‌ها را دوست ندارد؛ در آیات دیگری خداوند می‌فرماید: فَلَا تُطِيعُوا الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِ جِهَادٍ كَبِيرٍ «پس از کافران اطاعت مکن و به وسیله قرآن با ایشان به جهادی بزرگ بپرداز» (فرقان: ۵۲) و آیه شریفه که می‌فرماید: وَلَا تُطِيعُوا الْكَافِرِينَ وَ الْمُتَنَافِقِينَ وَ دَعَاؤُهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَ كَيْلًا «و کافران و منافقان را اطاعت نکن و آزارشان را نادیده بگیر، و بر خدا توکل کن، که حمایت خدا کفایت می‌کند» (احزاب: ۴۸)

این آیات دلالت روشنی دارند بر این که مومنین برای روزی خود نباید به کفار دل ببندند، و کفار به خاطر کفرشان، اگرچه این که مال فراوان داشته باشند ولی در خسران هستند، اما مومنین به آیات الهی، خداوند روزی آن‌ها را تضمین کرده است، بنابراین نباید پنداشت که تجارت پر سود در ایجاد رابطه تجاری

با کفار شکل می‌گیرد؛ چرا که کلید آسمان‌ها و زمین به دست اوست، لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ «کلیدهای آسمان‌ها و زمین از آن اوست، و کسانی که آیات خدا را انکار کردند آنها حقا زیانکارند» (زمر: ۶۳)

بنابراین شاید در نظر اولی کسی چنین برداشتی کند که هر گونه تبعیتی از کفار موجب کفر انسان می‌گردد، و به فرض اگر مسلمانی از کافری آدرسی را پرسید و آن شخص آن مسیری که او گفته بود را دنبال کرد، چنین شخصی مشمول این آیه شریفه می‌گردد، در صورتی که در آخر این بحث دفع دخل مقدر این شبهه شد، که منظور از تبعیت، مطلق تبعیت نیست، بلکه آن تبعیتی منظور است، که خداوند و وجود مبارک ائمه اطهار از آن نهی کرده‌اند.

### نتیجه رفاه طلبی در سایه تعامل با کفار

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ «به یقین، کافران را اموال و فرزندان‌شان به هیچ روی از [عذاب] خدا باز ندارد و آنان دوزخی‌اند و در آن جاویدان» (آل عمران: ۱۱۶)

کفر عامل هلاک است و اموال کفار نه برای خود آن‌ها سود می‌دهد نه برای کسانی که طبق مفاد آیات از طریق تجارت با آن‌ها، به آنان ملحق می‌شوند و نمی‌توان آسایش و رفاه بیشتر را در تجارت با کفار جستجو کرد، چرا که همان طور که از آیه ۳۲ سوره آل عمران و آیات مشابه آن می‌توان استفاده کرد، هر کس تجارت با آن‌ها را جز در موارد تقیه و اضطرار همچنان که در آیه ۲۸ همین سوره به آن اشاره کرده است، برگزیند، جزو آنان خواهد بود، و طبق وعده ی الهی کفار در آتش جهنم جاودانه خواهند بود.

تقیه به معنای پنهان کاری یا احتیاط در بیان عقاید و رفتارها به ویژه در شرایطی است که فرد ممکن است تحت فشار یا خطر قرار گیرد. این مفهوم بیشتر در متون دینی و فقهی مطرح می‌شود و به حفظ جان، مال، و آبرو اشاره دارد. در تجارت با کفار، تقیه می‌تواند به عنوان ابزاری برای حفظ جان و مال مسلمانان عمل کند. آن‌ها ممکن است مجبور شوند برخی از اصول دینی خود را پنهان کنند تا بتوانند به راحتی تجارت کنند و

از خطرات احتمالی دوری گزینند. اضطراب به معنای نیاز و ضرورت است که در آن فرد برای حفظ جان یا مال خود مجبور به انجام کاری می‌شود که در شرایط عادی مجاز نیست. در تجارت با کفار، اگر مسلمانان در شرایطی قرار گیرند که برای بقا و ادامه زندگی خود نیاز به تجارت دارند، ممکن است مجاز به انجام معاملات غیرمجاز باشند (احمدپور، ۱۳۹۴). تقیه عمدتاً به حفظ جان و آبرو در برابر فشارهای اجتماعی یا سیاسی اشاره دارد، در حالی که اضطراب به نیازهای فوری و حیاتی اشاره می‌کند. تقیه معمولاً در شرایط خطر و تهدید اجتماعی اعمال می‌شود، در حالی که اضطراب در شرایط بحرانی و نیاز فوری به بقا به کار می‌رود. در تجارت با کفار، تقیه و اضطراب ابزارهای مهمی هستند که مسلمانان می‌توانند برای حفظ امنیت و بقای خود از آن‌ها استفاده کنند. این مفاهیم به آن‌ها کمک می‌کند تا در شرایط دشوار تصمیم‌گیری‌های مناسبی داشته باشند (دهقان و رضویان، ۱۳۹۶).

در دنیای امروز که نظام اسلامی با اقتدار وجود دارد، مفهوم تقیه در تجارت با کفار می‌تواند به شکل متفاوتی مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به شرایط و زمینه‌های مختلف، حفظ اصول و ارزش‌های دینی اهمیت زیادی دارد. مسلمانان می‌توانند همچنان در شرایطی قرار بگیرند که نیاز به احتیاط و پنهان‌کاری داشته باشند، به ویژه در تعاملات با کفار. همچنین، با افزایش تجارت بین‌المللی و ارتباطات اقتصادی با کشورهای غیر اسلامی، چالش‌هایی ممکن است پیش بیاید که تقیه می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا از خطرات احتمالی دوری گزینند. شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در کشورهای مختلف متفاوت است و در برخی موارد، مسلمانان ممکن است با فشارهایی مواجه شوند که نیاز به تقیه را توجیه کند. به علاوه، مسلمانان می‌توانند به دنبال ایجاد همکاری‌های اقتصادی با کفار باشند و در این شرایط، تقیه ممکن است به عنوان ابزاری برای مدیریت روابط و حفظ منافع مسلمانان به کار رود. در نهایت، استفاده از اصول اخلاقی در تجارت با کفار می‌تواند به تقویت روابط و احترام متقابل کمک کند، و اهمیت حفظ اصول اسلامی و اخلاقی در هر شرایطی باید مد نظر قرار گیرد.

### آیاتی که به دفع شبهه، در صورت عدم تجارت با آنان اشاره دارد

آخرین طایفه آیات در مورد تجارت با کفار، به سه قسم تقسیم می‌شوند، و عبارت‌اند از:

اولین طایفه از آیات این قسم رزق و نصرت الهی در سایه عدم تعامل با کفار است که در ضمن طایفه سوم (پیامدها و آثار) گذشت، فلذا تکرار نمی‌شود.

و دلالت این قسم از آیات بر مطلوب بحث در این بخش به این گونه است که شاید بعضی از مومنین گمان کنند که عدم تجارت با کفار، شاید موجب کم شدن یا قطع شدن روزی آن‌ها گردد، یا باعث شود که دیگر کفار به آن‌ها در هیچ زمینه‌ای یاری نرسانند، یا این که آن‌ها را تحریم کنند، که این آیات شریفه در صدد جواب دادن به این گونه سوالات می‌باشد، که رزق بندگان و نصرتشان به دست خداوند است و اوست که هر کسی را بخواهد روزی می‌دهد و یاری می‌رساند.

### عدم تاثیر تحریم‌ها

لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ آوَتْوَا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَى كَثِيرًا وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ «به طور قطع با مال و جانتان آزمایش خواهید شد، و حتما از کسانی که پیش از شما کتاب داده شدند و نیز از مشرکان [سخنان دل] آزار بسیار خواهید شنید، و اگر صبوری کنید و پرهیز کار باشید، همانا این [مقاومت] از استوارترین کارهاست» (آل عمران: ۱۸۶)

آنچه را که به عنوان شان نزول این آیه شریفه از آن یاد شده است، گفته شده در مورد کعب بن اشرف است که مسلمانان و وجود پیامبر (ص) را با شعرهای خودش آزار می‌داد که در نهایت حضرت دستور قتل او را صادر کردند و به دست مسلمانان کشته شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۵۸)، با توجه به این که کلمه اذی به صورت جمع و مطلق به کار رفته است، می‌توان از آیه شریفه، این نکته را برداشت نمود که این اذیت و آزارها در زمان‌های مختلف بوسیله ابزار مختلف واقع می‌شود، در زمانی بوسیله اشعار بوده است، در زمانی بوسیله جنگ و ترور اینها واقع شده است، و در زمانی نیز می‌تواند بوسیله انواع تحریم‌ها واقع گردد، و در ادامه خداوند می‌فرماید راه غلبه بر چنین آزارهایی صبر و تقوا می‌باشد. علاوه بر این خداوند در جای دیگر می‌فرماید، نه تنها نمی‌تواند این تحریم‌ها در شما تاثیری بگذارد، بلکه این تحریم‌های کفار، آثار سوئی را برای خود آنان در پی دارد، آنجا که می‌فرماید: الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ «کسانی که کافر شدند و از راه خدا بازداشتند، [خدا] اعمالشان را تباہ کرد» (محمد: ۱).

این آیه شریفه شاید بتواند دلیلی دیگر بر این باشد که کسانی از کفار که بواسطه تحریم‌های ظالمانه آن‌ها بر مومنین باعث این شدند که مومنین به زحمت افتاده و در رنج باشند، هر چند بواسطه خدمات بسیارشان مردمان زیادی از آن‌ها سود برده باشند، ولی به خاطر چنین عملی که انجام داده‌اند، آن اعمال به ظاهر نیک نیز سودی در آخرت برای آن‌ها نخواهد داشت، هرچند که اگر این چنین کارهایی را هم انجام نمی‌داند، اعمال نیک آن‌ها به خاطر کفرشان نابود شده بود، **إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ** [هاییل] گفت: خدا فقط از پرهیزکاران می‌پذیرد» (مائده: ۲۷).

### روایات، سیره و عمل مسلمانان

بدون شک، فعالیت‌های تجاری و داد و ستدهای بازرگانی، هر گاه به سود جامعه و در راستای منافع ملی باشد، باعث رشد و شکوفایی اقتصادی و توانمندی ملی، و در نتیجه کاستن از میزان وابستگی به بیگانگان خواهد شد. این مهم، افزون بر آن که گامی در راه استقلال اقتصادی و از اهداف اقتصاد اسلامی به شمار می‌رود، آثار مثبتی نیز در زمینه‌های گوناگون سیاسی و فرهنگی بر جای خواهد گذاشت (غفاری، ۱۳۹۶، ص ۱۱). به همین دلیل تجارت به عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های حیاتی در اسلام اهمیت خاصی دارد و مورد تاکید و تشویق قرار گرفته است. مسلمانان به پیروی از دستورات اسلام، در این عرصه به صورت جدی وارد شده‌اند، این موارد به خوبی در تاریخ کتب اقتصادی مسلمانان و غیرمسلمانان ثبت شده است.

در حقیقت شمول بسیاری از ادله‌هایی که در زمینه توصیه به تجارت و صحت آن آمده است، تجارت با کفار را در بر می‌گیرد و دال بر جواز آن می‌باشد، خواه این ارتباط در داخل بازار اسلامی انجام شود، خواه خارج از آن و بلکه در بازار غیرمسلمانان (امامی، ۱۳۸۹، ص ۶۴). از سیره پیامبر در پیمان جامع ایشان در ابتدای ورود به مدینه که با یهودیان، مشرکان و سایر گروه‌های مدینه بسته شد جواز پیمان بستن با غیرمسلمانان و دادوستد با آنان و نیز لزوم وفای به این پیمان‌ها برداشت می‌شود. نمونه‌ای دیگر از پیمان‌های پیامبر که موید این امر است پیمان وی با مسیحیان نجران است (نمیری، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۵۸۴).

در روایات تعبیرهای گوناگونی در سفارش به تجارت و اهمیت و نقش آن در زمینه افزایش رفاه خانواده، بدون در نظر گرفتن طرف‌های تجاری مورد معامله، مورد اشاره قرار گرفته است که در زیر به ذکر نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

وَسَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ يَحْمِلُ التِّجَارَةَ إِلَى الْمُشْرِكِينَ؟ قَالَ: «إِذَا لَمْ يَحْمِلُوا سِلَاحًا فَلَا بَأْسَ» ابن شبه در کتاب خویش نقل می‌کند که از امام کاظم در مورد شخصی که مال‌التجاره به سوی مشرکان حمل می‌کند سوال کردم: که حضرت در جواب می‌فرماید: اگر سلاح حمل نمی‌کند اشکالی ندارد (نمیری، ۱۳۷۱، ص ۲۶۴)؛ (عریضی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۷)؛ (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۰۰، ص ۱۲۱). وجود مبارک امام در این حدیث به صراحت اعلام کرده‌اند که تجارت با کفار جز در موردی که فروش اسلحه به آن‌ها باشد، جایز می‌باشد.

در روایتی دیگر هشام بن حکم از امام صادق درباره حکمت حج سوال می‌کند، آن حضرت، ضمن اشاره به فلسفه‌های گوناگونی که برای حج وجود دارد، می‌فرماید: «در ایام حج، مردم از شرق و غرب عالم جمع می‌شوند، با یکدیگر آشنا می‌شوند، مبادلات اقتصادی انجام می‌گیرد و ملت‌ها از فرآورده‌های اقتصادی یکدیگر استفاده می‌کنند». آن حضرت سپس بر روابط بین‌المللی به طور عام و روابط تجاری اقتصادی به طور خاص تاکید می‌کند: اگر روابط ملل از هم گسسته شود و هر ملتی تنها به خود بیندیشد و تنها از خود سخن بگوید هلاک می‌شود، و کشورهای جهان رو به ویرانی می‌روند و مبادلات تجاری و منافع نابود می‌گردد (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ص ۱۴).

حضرت علی می‌فرماید: «تَعَرَّضُوا لِلتِّجَارَةِ فَإِنَّ فِيهَا لَكُمْ غَنًى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۹۳) در این روایت شریفه حضرت تجارت کردن را وسیله‌ای برای بی‌نیاز شدن شخص از آن چه در دست مردم است بیان شده است. در روایتی دیگر امام صادق می‌فرماید: «لَا تَدْعُوا التِّجَارَةَ فَتَهْوُنُوا اتَّجِرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ» در این روایت حضرت ترک تجارت را مایه خفت و خواری خوانده و از ترک آن نهی می‌کنند، و اقدام به تجارت را باعث جلب برکت الهی می‌دانند (ابن بابویه، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۹۳)؛ در روایتی دیگر از امام صادق می‌خوانیم: «تِسْعَةُ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۷، ص ۱۲۶) نهمین روزی در طلب تجارت است. یا این که حضرت در نهی از ترک تجارت می‌فرماید: «لَا تَتْرُكِ التِّجَارَةَ فَإِنَّ تَرْكَهَا مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۱۱) در این روایت، حضرت ترک تجارت را

موجب زوال عقل می‌دانند و در روایتی تکمیلی حضرت می‌فرمایند: «التَّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ» (کلینی، ۱۳۴۲، ج ۵، ص ۱۴۸)، یعنی همان‌گونه که ترک تجارت موجب زوال عقل می‌گردد، اهتمام به آن نیز موجب فزونی عقل می‌گردد. نمونه‌های این روایت شریفه در کتب روایی و حدیثی به وفور یافت می‌شود که محتوای غالب آن‌ها صرف نظر از طرف‌های مورد معامله مسلمانان، بر اهمیت تجارت تاکید و تکیه دارند.

در غیر کتب روایی و حدیثی نیز در شرح احوالات مسلمانان و تشریح روابط اقتصادی بین‌المللی آن‌ها، نمونه‌های فراوانی یافت می‌شود که دلالت دارد مسلمانان در زمینه تجارت بین‌الملل و فراگیری این روابط با غیر مسلمانان رابطه‌ای دیرینه دارند، رابطه‌ای که در صورت پیگیری تا صدر اسلام ادامه پیدا می‌کند، در ادامه به برخی از این شواهد اشاره می‌کنیم.

به علاوه دولت‌های اسلامی و مسلمانان در طول تاریخ از پیشگامان تجارت بین‌المللی بوده‌اند، و در حقیقت مبادله تجاری مسلمانان با دیگران و درخشش تجارت خارجی دولت اسلامی در چارچوب اخلاق فاضله و رفتار نیک مسلمانان با بیگانگان در نشر این دین مبین به اندازه‌ای موثر بوده است که می‌توان گفت صدای جهان اسلام از راه تجارت و روابط فرهنگی از محدوده‌های فتوحات جنگی فراتر رفته است. در کنار این تاثیر فرهنگی، تجارت با غیر مسلمانان فضای گسترده‌ای برای تبادل منافع در میدان تولید کالا و خدمات و روش‌های مصرف فراهم نموده و مسلمانان در توسعه و پیشرفت فنون صرافی و بانکداری بین‌المللی سهم داشته‌اند و آنان در معاملات چک زیاد مصرف می‌کردند و اوراق اعتبار حواله‌جات و بروات به وسیله صرافان و بانکداران مسلمان تعمیم یافت (خدوری، ۱۳۳۵، ص ۳۴۶).

با کدگذاری مضامین ۱۵۰ آیه و ۳۰ روایت، پنج دسته کلیدی شناسایی شد:

کد	موضوع	مصادق قرآنی	دلالت فقهی-اقتصادی
C1	نهی از تولی کفار	آل عمران: ۲۸	حرمت تجارت با نهاد‌های ظالم
C2	اولویت کشورهای اسلامی	توبه: ۱۲۳	وجوب تقدم تجارت درون‌امتی

C3	اضطرار و تقیه	نساء: ۲۹	جواز محدود با رعایت مصلحت نظام
C4	نفی سبیل	نساء: ۱۴۱	ممنوعیت معاملات تقویت کننده سلطه کفر
C5	تجارت به مثابه ابزار صلح	قریش: ۱-۴	تجارت غیر اضطراری با حفظ استقلال

### موضوعات و مصادیق اضطرار در تجارت با کفار

در تجارت با کفار، شرایط اضطرار به موقعیت‌هایی اشاره دارد که مسلمانان به دلایل مختلف مجبور به معامله با غیرمسلمانان هستند. این شرایط می‌تواند شامل مواردی مانند نیاز فوری به کالاهای ضروری، مواد غذایی، داروها، تجهیزات پزشکی، یا حتی فناوری‌های پیشرفته باشد. برای مثال، زمانی که یک کشور اسلامی با بحران کمبود دارو مواجه است و تأمین این داروها از منابع داخلی امکان‌پذیر نیست، تجارت با کشورهای غیرمسلمان ضروری می‌شود. در این حالت، اضطرار به معنای ضرورت حفظ جان و سلامت افراد بر هر اصل دیگری اولویت دارد. علاوه بر این، در شرایطی که مسلمانان در معرض خطرات جدی مانند جنگ، قحطی یا بلاهای طبیعی قرار دارند، ممکن است نیاز به تجارت با کفار به شدت احساس شود. هاشمی و همکاران (۱۳۸۶). به عنوان مثال، در زمان جنگ، ممکن است دسترسی به محصولات اولیه از داخل کشور محدود شود و مسلمانان ناچار شوند برای تأمین نیازهای خود و خانواده‌هایشان به کشورهای غیرمسلمان روی آورند. این نوع تجارت می‌تواند شامل خرید غذا، لباس، و سایر مایحتاج باشد که در شرایط عادی ممکن است از منابع داخلی تأمین شود، اما در شرایط اضطراری، گزینه‌های دیگر محدود می‌شوند. همچنین، در مواردی که مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی زندگی می‌کنند، شرایط اضطرار ممکن است به دلیل عدم دسترسی به کالاهای حلال و مورد نیاز برای زندگی روزمره بروز کند. در این حالت، مسلمانان ممکن است مجبور شوند با فروشندگان غیرمسلمان که کالاهای ضروری را ارائه می‌دهند، تعامل کنند. این نوع تجارت به ویژه در جوامع مهاجر یا در کشورهایی که مسلمانان اقلیت هستند، بسیار رایج است (ولی‌پور و یدالله‌پور، ۱۳۹۴؛ موسوی و همکاران، ۱۳۹۳).

در مواردی که مسلمانان به فناوری‌های پیشرفته یا تجهیزات پزشکی نیاز دارند، شرایط اضطرار ممکن است به دلیل عدم وجود این فناوری‌ها در کشورهای اسلامی بروز کند. به عنوان مثال، اگر یک کشور اسلامی به تکنولوژی‌های پزشکی خاصی نیاز داشته باشد که تنها در کشورهای غیرمسلمان تولید می‌شود، مسلمانان ممکن است مجبور شوند با این کشورها برای تأمین نیازهای پزشکی خود به معامله پردازند (مرتضوی و تبریزی، ۱۳۹۸). در این شرایط، حفظ جان انسان‌ها و بهبود کیفیت زندگی بر اصول دیگر تجارت اولویت پیدا می‌کند. به طور کلی، شرایط اضطرار در تجارت با کفار باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که این نوع تجارت تنها در مواقع ضروری و به منظور حفظ جان و سلامت افراد انجام می‌شود و از آن به عنوان یک ابزار برای توجیه رفتارهای نادرست یا غیر اخلاقی استفاده نشود. در نهایت، این شرایط باید با رعایت اصول شرعی و اخلاقی مدیریت شود تا از هرگونه سوءاستفاده یا تفسیر نادرست جلوگیری گردد (شکاری و همکاران، ۱۳۹۶).

همچنین در شرایطی که یک کشور اسلامی دچار بحران اقتصادی یا بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل یا قحطی می‌شود و نیاز به کمک‌های فوری دارد، واردات کالاها و خدمات از کشورهای غیرمسلمان می‌تواند ضرورت پیدا کند. در این مواقع، تأمین نیازهای فوری مردم و حفظ امنیت و ثبات کشور بر مبنای اصول اضطرار قابل توجیه است. به عنوان مثال، در صورت وقوع زلزله‌ای ویرانگر، زیرساخت‌ها آسیب می‌بینند و دسترسی به منابع محلی برای تأمین مواد غذایی، دارو و تجهیزات پزشکی به شدت محدود می‌شود. در چنین شرایطی، واردات از کشورهای غیرمسلمان می‌تواند به سرعت به نیازهای فوری پاسخ دهد و جان انسان‌ها را نجات دهد. این نوع همکاری‌ها می‌تواند شامل ارسال کمک‌های انسانی، مواد غذایی، داروها و تجهیزات نجات باشد که به سرعت و به طور مؤثر به جامعه آسیب‌دیده کمک می‌کند (محسن‌زاده، ۱۳۹۶؛ مالمیر و محمد دخت، ۱۳۸۷).

در شرایط قحطی، که تولید محلی به شدت کاهش یافته و منابع غذایی به حداقل رسیده است، امکان تأمین نیازهای اساسی مردم از طریق تجارت با کشورهای غیرمسلمان به یک ضرورت تبدیل می‌شود. این نوع تجارت به ویژه در شرایطی که منابع داخلی ناکافی است، می‌تواند به حفظ جان انسان‌ها و جلوگیری از گرسنگی کمک کند. در این موارد، اصول اخلاقی و انسانی بر هرگونه ملاحظات تجاری دیگر اولویت

دارد. همچنین، در زمان‌های بحران اقتصادی، کشورها ممکن است با مشکلات جدی در تأمین کالاهای اساسی مواجه شوند (احمدوند و همکاران، ۱۳۹۶). در این شرایط، واردات از کشورهای غیرمسلمان می‌تواند به تقویت اقتصاد و ایجاد ثبات مالی کمک کند. این نوع تجارت می‌تواند شامل واردات کالاهای مصرفی، مواد اولیه و حتی سرمایه‌گذاری‌های خارجی باشد که به بهبود وضعیت اقتصادی و ایجاد شغل کمک می‌کند. شرایط اضطرار در این موارد باید با دقت و حساسیت مدیریت شود تا از هرگونه سوءاستفاده جلوگیری گردد. همچنین، لازم است که این نوع تجارت با رعایت اصول شرعی و اخلاقی انجام شود تا اطمینان حاصل گردد که هدف نهایی حفظ جان و سلامت انسان‌ها و تأمین نیازهای اساسی جامعه است (اسدی، ۱۳۹۴؛ هاشمیه، ۱۳۹۴).

یکی دیگر از مصادیق اضطرار در تجارت با غیرمسلمانان، نیاز به فناوری‌های پیشرفته است که ممکن است در کشورهای اسلامی در دسترس نباشد. برای توسعه و پیشرفت صنایع و فناوری‌های نوین، کشورهای اسلامی ممکن است ناچار به واردات فناوری و دانش فنی از کشورهای غیرمسلمان شوند. این امر به منظور تقویت زیرساخت‌های صنعتی، ارتقاء کیفیت زندگی و افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی انجام می‌شود (ادیبی مهر، ۱۳۹۲). در دنیای امروز، فناوری‌های پیشرفته نقش بسیار مهمی در رشد و توسعه اقتصادی دارند. کشورهای اسلامی که به دنبال بهبود صنایع خود و افزایش بهره‌وری هستند، ممکن است با کمبود دانش فنی و فناوری‌های نوین مواجه شوند. به عنوان مثال، در حوزه‌های مانند فناوری اطلاعات، پزشکی، انرژی‌های تجدیدپذیر و صنایع خودروسازی، ممکن است کشورهای اسلامی نیاز به تکنولوژی‌های خاصی باشند که تنها در کشورهای غیرمسلمان تولید می‌شود (احمدپور، ۱۳۹۴).

واردات این فناوری‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت محصولات و خدمات داخلی کمک کند و به تولیدکنندگان محلی این امکان را بدهد که با استانداردهای جهانی رقابت کنند. به عنوان مثال، اگر یک کشور اسلامی در زمینه تولید داروهای خاص به فناوری‌های نوین نیاز داشته باشد، واردات این فناوری‌ها می‌تواند به تولید داروهای با کیفیت و مؤثر کمک کند و در نتیجه سلامت عمومی را بهبود بخشد (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۳). علاوه بر این، انتقال فناوری می‌تواند به ایجاد شغل و افزایش مهارت‌های فنی در جامعه کمک کند. با همکاری با شرکت‌های غیرمسلمان و بهره‌گیری از دانش فنی آن‌ها، کشورها می‌توانند نیروی کار

خود را آموزش دهند و به توسعه مهارت‌های جدید بپردازند. این امر نه تنها به بهبود وضعیت اقتصادی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد یک اکوسیستم نوآورانه و پایدار در کشور کمک کند. نیاز به فناوری‌های پیشرفته در شرایط اضطرار می‌تواند به عنوان یک عامل کلیدی در توسعه و پیشرفت کشورها در نظر گرفته شود. با این حال، مهم است که این نوع تجارت با رعایت اصول شرعی و اخلاقی انجام شود و هدف نهایی آن بهبود کیفیت زندگی مردم و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی باشد (کیانی، ۱۳۹۵).

همچنین در شرایطی که کالاها یا خدمات تولید شده توسط کشورهای اسلامی نمی‌توانند نیازهای بازار داخلی را به طور کامل برطرف کنند، واردات از کشورهای غیرمسلمان ضروری می‌شود. در این حالت، برآورده کردن نیازهای اساسی مردم و جلوگیری از کمبودها به عنوان موارد اضطرار در نظر گرفته می‌شود. واردات کالاها و خدمات می‌تواند به جلوگیری از کمبودها در بازار کمک کند. به عنوان مثال، در مواقعی که تقاضا برای کالاها به شدت افزایش می‌یابد، واردات می‌تواند به تأمین نیازهای فوری مردم کمک کند. همچنین، در شرایط بحرانی مانند قحطی یا بلایای طبیعی، واردات کالاهای اساسی مانند مواد غذایی، دارو و تجهیزات پزشکی می‌تواند حیاتی باشد و به حفظ سلامت و امنیت جامعه کمک کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

واردات از کشورهای غیرمسلمان می‌تواند به تنوع در منابع تأمین کالاها و خدمات کمک کند و وابستگی به یک منبع خاص را کاهش دهد. این امر همچنین می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک کند، زیرا با تأمین نیازهای بازار، تولیدکنندگان داخلی نیز می‌توانند به بهبود کیفیت محصولات و خدمات خود بپردازند. در نهایت، واردات در چنین شرایطی به عنوان یک ضرورت و اقدام اضطراری در نظر گرفته می‌شود و باید با رعایت اصول شرعی و اخلاقی انجام شود تا اطمینان حاصل گردد که هدف نهایی تأمین نیازهای اساسی مردم و حفظ امنیت و ثبات کشور است. این مثال‌ها نشان می‌دهد که شرایط اضطرار در تجارت با کفار می‌تواند متنوع و گسترده باشد و نیازمند تحلیل دقیق و متناسب با شرایط هر کشور و هر موقعیت خاص است.

## نتیجه‌گیری

تجارت با دیگر کشورها در یک تقسیم‌بندی می‌تواند با کشورهای اسلامی و غیراسلامی مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه پژوهش حاضر با توجه به مبادلاتی که کشورهای اسلامی می‌توانند با کشورهای اسلامی و غیراسلامی داشته باشند به بررسی دیدگاه اسلامی در این زمینه پرداخت. بررسی پیشینه تجارت کشورهای اسلامی و غیراسلامی با چنین دولت‌هایی نشان داد که محدودیت‌هایی در باب تجارت با این کشورها مورد توجه قرار گرفته است اما حدود این تعامل‌ها موضوعی بود که به طور روشن در این تحقیقات مورد بررسی قرار نگرفته بود. تجارت با کشورهای اسلامی در ارتباط با آیاتی که در این زمینه در قرآن کریم وجود دارد دال بر این نکته بود که آیات مرتبط با تجارت خارجی به پنج دسته قابل تقسیم هستند: آیاتی که از تجارت با کفار مومنین را بر حذر می‌دارد، آیاتی که به ترغیب مومنان در ارتباط با عدم تجارت با کفار دلالت دارد، آیاتی که به آثار و نتایج عدم تجارت با آنان اشاره دارد، آیاتی که به پیامدهای سوء تجارت با کفار اشاره می‌کنند، و در نهایت آیاتی که به دفع شبهه در صورت عدم تجارت با آنان اشاره دارد. تجزیه و تحلیلی که در زمینه بررسی این آیات شریفه مورد توجه قرار گرفت عدم جواز تجارت با کفار را مورد توجه قرار می‌داد اما در ادامه با توجه به روایات شریفه از معصومین (ع) و سیره روشن گردید که تجارت با کشورهای غیراسلامی مورد توجه ائمه معصومین (ع) و سیره علما بوده است؛ در نهایت از مجموع این پنج طایفه آیات به ضمیمه روایات شریفه این گونه استفاده گردید که با توجه به منافع دوسویه‌ای که در تجارت خارجی وجود دارد کشور اسلامی که با دیگر کشورها تجارت انجام می‌دهد منافی به آن‌ها می‌رساند، اگر این منفعت از طریق صادرات باشد در حقیقت مشکلی از مشکلات آن‌ها را حل می‌کند و اگر از طریق واردات است منفعتی به آن‌ها می‌رساند، و از آنجا که شارع، مسلمان را بر غیر مسلمان ترجیح می‌دهد لذا در رساندن منافع نیز مسلمان را بر غیر مسلمان ترجیح می‌دهد و در نتیجه اولویت صادرات و واردات به کشورهای اسلامی مورد توجه شارع می‌باشد.

در این پژوهش، داده‌ها از طریق روش تحلیل میان‌رشته‌ای گردآوری و تفسیر شده است. این روش با ترکیب مفاهیم علوم قرآن و اقتصاد، به استخراج نظریه‌های قرآنی مرتبط با تجارت خارجی پرداخته است. مراحل اصلی شامل: کدگذاری مضامین: ۱۵۰ آیه و ۳۰ روایت مرتبط با تجارت خارجی بررسی و به پنج دسته

کلیدی تقسیم شدند: نهی از تولی کفار (آل عمران: ۲۸)، اولویت کشورهای اسلامی (توبه: ۱۲۳)، اضطراب و تقيه (نساء: ۲۹)، نفی سبیل (نساء: ۱۴۱)، و تجارت به مثابه ابزار صلح (سوره قریش: ۴-۱). ارتباط کدها با یافته‌ها: هر کد به مصادیق عینی در آیات و روایات مرتبط شد. مثلاً آیه *وَلَا تَرَکُّوْا اِلٰی الدِّیْنِ ظَلَمُوْا* (هود: ۱۱۳) به مفهوم «نفی سلطه کفار» (کد C4) پیوند خورد و در قالب ممنوعیت معاملات تقویت‌کننده نظام‌های ظالمانه تفسیر شد. قرآن تجارت با غیرمسلمانان را در چارچوب اولویت کشورهای اسلامی، حفظ استقلال اقتصادی و پرهیز از تقویت نظام‌های ستمگر مجاز می‌داند، اما در شرایط اضطراب (مانند نیاز به دارو یا فناوری حیاتی) با رعایت مصلحت نظام، محدودیت‌ها تعدیل می‌شود.

بر اساس آیات و روایات، پنج دسته اصلی برای محدودیت تجارت با غیرمسلمانان استخراج شده است: آیات نهی از تجارت با کفار مانند *لَا تَتَّخِذُوا الْیَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ اَوْلِیَاءَ* (مائده: ۵۱) که هرگونه همپیمانی اقتصادی با نظام‌های ضداسلامی را نفی می‌کند. آیات ترغیب به عدم تجارت مانند *يَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تُحِلُّوْا شِعَارَ اللّٰهِ* (مائده: ۲) که تجارت در شرایط تضعیف هویت اسلامی را ممنوع می‌کند. آیات آثار عدم تجارت مانند *وَلَنْ یَّجْعَلَ اللّٰهُ لِلْکَافِرِیْنَ عَلٰی الْمُؤْمِنِیْنَ سَبِیْلًا* (نساء: ۱۴۱) که تضمین می‌کند قطع روابط تجاری به ضرر مسلمانان نخواهد بود. آیات پیامدهای سوء تجارت مانند *وَإِنْ اَطَعْتُمْهُمْ اِنَّکُمْ لَمَشْرِکُوْنَ* (انعام: ۱۲۱) که همکاری اقتصادی با کفار را در مواردی هم‌سان شرک می‌داند. آیات دفع شبهه مانند *وَلَا تَهِنُوْا وَلَا تَحْزَنُوْا وَاَنْتُمْ اَلْعٰلَمُوْنَ* (آل عمران: ۱۳۹) که ترس از تحریم‌ها را با تاکید بر عزت اسلامی بی‌پایه می‌خواند.

قرآن کریم با محوریت اولویت کشورهای اسلامی، تجارت با غیرمسلمانان را در چارچوب شرایط خاص مجاز می‌داند: اولویت تجارت درون‌امتی: آیه *يَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا عَلَیْکُمْ اَنْفُسُکُمْ* (مائده: ۱۰۵) بر تامین نیازهای داخلی و تقویت اقتصاد امت اسلامی تاکید دارد. ممنوعیت تقویت سلطه کفار: آیه *وَلَنْ یَّجْعَلَ اللّٰهُ لِلْکَافِرِیْنَ عَلٰی الْمُؤْمِنِیْنَ سَبِیْلًا* (نساء: ۱۴۱) هرگونه معامله‌ای که به سلطه‌پذیری بیانجامد را نفی می‌کند. تجارت غیراضطراری با حفظ استقلال: سوره قریش (آیات ۴-۱) تجارت را به عنوان ابزار صلح و رفاه مشروع می‌داند، مشروط به عدم وابستگی به بیگانگان. عدم اشاره صریح به تجارت آزاد: قرآن هرگز به «تجارت حداکثری» با غیرمسلمانان توصیه نکرده است، بلکه همواره اولویت را به حفظ مصالح امت اسلامی داده است. نتیجه: رویکرد قرآن مبتنی بر تعامل مشروط است؛ تجارت با غیرمسلمانان در صورت رعایت عدالت،

عدم تقویت ظلم و اولویت منافع امت اسلامی مجاز است، اما در صورت وجود خطر سلطه یا تضعیف هویت دینی، ممنوع می‌شود.

همچنین روش تحلیل میان‌رشته‌ای در این پژوهش دو دلالت کلیدی ایجاد کرده است: اول ایجاد پل مفهومی بین قرآن و علوم انسانی: به عنوان نمونه مفهوم «مزیت نسبی» از نظریه‌های اقتصادی (سالواتوره، ۲۰۱۳) با آیه *وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ* (اسراء: ۲۹) ترکیب شد تا اولویت تجارت مبتنی بر عدالت (نه سود حداکثری) تبیین گردد. همچنین گفتگوی دانش‌ها را ایجاد کرد: مفاهیم «ظلم سیستماتیک» از جامعه‌شناسی سیاسی با آیات ناظر به نفی سیل (نساء: ۱۴۱) پیوند خورد تا ممنوعیت تجارت با نهادهای حامی ظلم استخراج شود. و در مرحله دوم به بازخوانی مفاهیم مدرن در پرتو قرآن پرداخت، به عنوان مثال: اصل «احترام متقابل» در حقوق بین‌الملل با سیره پیامبر (ص) در پیمان مدینه (تعامل با یهودیان و مشرکان) مقایسه شد و نشان داده شد که قرآن تجارت را نه به عنوان «ابزار سلطه»، بلکه به عنوان «ابزار صلح» (سوره قریش) می‌داند.

## منابع و مآخذ

- قرآن کریم، مترجم: ابوالفضل بهرام‌پور، انتشارات آوای قرآن.
  - نهج البلاغه، مترجم: صالح صبحی، انتشارات مؤسسه دارالهجره.
- ابراهیم‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳)، بررسی تولی و تبری در اسلام و مهجوریت آن در امت اسلامی، *سراج منیر*، ۵(۱۶)، ص ۱۳۱-۱۵۰.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۵)، *من لا یحضره الفقیه*، محقق: حسن خراسان، بیروت، انتشارات دارالاضواء.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸)، *جمهزة اللغة*، اول، بیروت، دار العلم للملایین.
- ابن شبه نمیری، ابو زید عمر (۱۳۶۸)، *تاریخ المدینة المنورة اخبار المدینة النبویة*، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، قم، انتشارات دارالفکر.
- ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۴۲۱)، *احکام اهل الذمه* يتبعها رساله النهی عن الاستعانه والاستنصار فی امور المسلمین باهل الذمه و الکفار، بیروت، دارالجلیل.
- ابوالحسینی، علی اکبر (۱۳۹۶)، *همزیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان در قالب قرارداد امان*، *مجله تخصصی فقه و مبانی حقوق واحد بابل*، ص ۱۹-۴۱.
- احمدپور، اکبر (۱۳۹۴)، *بازخوانی چگونگی تعاملات پیامبر (ص) با غیر مسلمانان، تاریخ و فرهنگ*، ۴۷(۹۵)، ص ۲۹-۵۳.
- احمدپور، اکبر (۱۳۹۴)، *درنگی بر فروش گوشت حرام به کافران، مطالعات اسلامی فقه و اصول*، ۴۷(۱۰۳)، ص ۳۱-۵۳.
- احمدوند، خلیل الله، قادری، پروانه، صیدمرادی، پروین (۱۳۹۶)، *روابط قراردادی مسلمانان با کفار، کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت حقوق اقتصاد و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون*.
- احمدوند، محسن، قبولی، محمدتقی، فخلعی، محمدتقی (۱۳۹۵)، *نگرشی نو در مفاد قاعده نفی سیل و نسبت سنجی آن با اصل عدالت در روابط بین المللی، دوفصلنامه کاوشی نو در فقه*، ۲۳(۱)، ص ۱۲۳-۱۴۹.

- احمری، حسین (۱۳۸۶)، فعالیت‌های اقتصادی حرام در فقه شیعه، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، ۳(۱۲)، ص ۹-۲۷.
- ادیبی‌مهر، محمد (۱۳۹۲)، بررسی و تحلیل قاعده عدم سلطه‌پذیری مومن با رویکردی به تحلیل اصطلاح سبیل، حقوق اسلامی، ۹(۳۵)، ص ۱۱۳-۱۳۵.
- اربلی، علی‌بن عیسی (۱۳۸۱)، کشف الغمّه فی معرفه الامّه، تبریز، اول، بنی‌هاشمی.
- آزهری، محمدبن احمد (۱۴۲۱)، تهذیب اللغه، بیروت، اول، دار إحياء التراث العربی.
- اسدی، ایران (۱۳۹۴)، مبانی سیاست خارجی حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی، ۹۴(۲۳)، ص ۱۰۱-۱۱۸.
- اصغری، عبدالرضا، لطیف زاده، مهدیه (۱۳۹۶)، رویکرد فقه امامیه درباره بیع میت به مستحلین، آموزه‌های فقه مدنی، ۹۶(۱۵)، ص ۱۳۳-۱۵۸.
- امامی، محمد (۱۳۸۹)، بازار مسلمانان: آداب و مقررات، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- امیری طهرانی زاده، سیدمحمدرضا و عماد افروغ (۱۳۹۳)، نقد روش شناسی اقتصاد اسلامی شهید صدر از دیدگاه واقع‌گرایی انتقادی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، س ۲۰، ش ۷۸، ص ۳۱-۷.
- امیری، حکیمه (۱۳۸۰)، «تجارت خارجی ایران در دوران صفویه»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال سوم، شماره هشت، ص ۱۱۷-۱۴۸.
- اهتمام، حامد، حبیب‌رضا، ارزانی (۱۳۹۴)، الگوی ارتباطات میان‌فرهنگی مسلمانان با مسیحیان در قرآن کریم، دو فصلنامه الهیات تطبیقی، ۶(۱۴)، ص ۸۹-۱۰۶.
- آقامهدوی، اصغر (۱۳۹۱)، رابطه قاعده نفی سبیل با استراتژی‌های مطرح در سیاست خارجی با تکیه بر آیه نفی سبیل، فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، ۱(۱)، ص ۴۷-۶۶.
- باقری، ندا، موسوی فرد، سید محمدرضا، اختری، سجاد (۱۳۹۷)، الحاق به اساسنامه ی دیوان کیفری بین‌المللی از منظر فقه امامیه، پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ص ۱-۲۱.
- توکلی، محمدجواد (۱۳۹۵)، پژوهشی در تعیین حدود و مرزهای مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد اسلامی، معرفت اقتصاد اسلامی، س ۸، ش ۱۵، ص ۶۲-۴۱.

- جلائی نویری، حسین، خدا یاری، ناصر، عرفانی، سید محسن، خیری، یوسف (۱۳۹۷)، گونه شناسی رفتاری پیامبر اسلام با مخالفین در مکه و مدینه، چهارمین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ص ۱-۱۷.
- جمال زاده، ناصر (۱۳۸۴)، علمای شیعه در عصر مشروطه و انگاره سلطه غرب، دانش سیاسی، (۱)، ص ۴۳-۶۴.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، اصول حاکم بر روابط بین الملل نظام اسلامی، حکومت اسلامی، (۲)، ص ۳۶-۵.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، الصحاح، مصحح: عطار احمد عبد الغفور، بیروت، اول، دار العلم للملایین.
- حاجی علی، فریبا (۱۳۸۷)، تاملی بر آیه نفی سبیل با تاکید بر مفهوم واژه سبیل، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، (۲)۴، ص ۱۵۷-۱۲۹.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۴)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، محقق: محمدرضا حسینی جلالی، چاپ ششم، قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- حسام‌الدین الهندی، علاء‌الدین (۱۴۰۹)، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله.
- حسین هاشمی، سید حامد (۱۳۹۴)، فرمان تحریم تنباکو حکم یا فتوا؟ کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی، شیراز.
- حسینی، سید علیرضا، ناظری، محمدرضا (۱۳۹۵)، تاثیر قاعده فقهی نفی سبیل بر روابط بین‌المللی مسلمانان، دوفصلنامه معارف فقه علوی، (۳)۲، ص ۱۶۴-۱۴۱.
- خدووری، مجید (۱۳۳۵)، جنگ و صلح در قانون اسلام، ترجمه: غلام‌رضا سعیدی، تهران، انتشارات اقبال.
- خودروان، حسن (۱۳۹۱)، بررسی معناشناختی واژه کفر در قرآن کریم، تهران، اول، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- خوشبخت، عرفان (۱۳۹۳)، پایان‌نامه قاعده نفی سبیل و تجارت جهانی، استاد راهنما: مرتضی چیت‌سازیان، دانشکده علوم حدیث، کارشناسی ارشد.

- دورانت، ویل (۱۳۶۶)، تاریخ تمدن، مترجم: ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده، و ابوالقاسم طاهری، جلد چهارم، یازدهم، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۸)، درون‌گرایی و برون‌گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ۷۸(۹)، ص ۷-۳۲.
- دهقان کلپشادی، محمدرضا، رضویان، سید محمود (۱۳۹۶)، تعامل تمدن ساز دولت‌های اسلامی با اقتضائات و ارتباطات جامعه بین‌المللی، سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، ص ۱-۱۴.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۶)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دمشق، اول، دارالقلم.
- رحمانی، محمد، ۱۳۸۶، قاعده نفی سبیل از منظر فریقین، فصلنامه حکمت و فلسفه اسلامی، ۲(۲۶)، ص ۲۸-۲.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۶)، «الگوی تجارت خارجی ایران»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال دوم، شماره نه، ص ۴-۹.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۸)، روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای در تفسیر قرآن، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، س ۹، ش ۳۲، ص ۱۳۰-۱۱۵.
- رضایی، مجید، و سید محمدعلی هاشمی (۱۳۹۴)، «بازخوانی قاعده نفی سبیل»، پژوهشنامه متین، سال پانزدهم، ش ۵۷، ص ۶۱-۸۶.
- زارعی، بهادر، زینی‌وند، علی، محمدی، کیمیا (۱۳۹۲)، قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۱(۷۶)، ص ۱۶۷-۱۸۳.
- زاهدی، حسین (۱۳۸۵)، استعانت از کفار در مذاهب اسلامی، فصلنامه طلوع، ۵(۱۸)، ص ۷۵-۹۴.
- زنگنه شهرکی، جعفر (۱۳۹۱)، قاعده نفی سبیل در آرای فقهی و مواضع سیاسی صاحب‌عروه سید محمدکاظم طباطبائی یزدی، مجله فقه، سال نوزدهم، شماره سه، ص ۱۴۸-۱۹۴.

- زیدان، جرجی (۱۳۳۳)، تاریخ تمدن اسلام، مترجم: علی جواهر کلام، جلد پنجم، ۵ جلد، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- سبحانی فخر، قاسم، سیاوشی، کریم (۱۳۹۶)، تحلیل تطبیقی آیات منع تولی کفار از دیدگاه مفسران، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، ۳(۱)، ص ۹-۳۵.
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی در قرآن، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره پانزده، ص ۱۶۹-۱۸۲.
- سلیمانی، حدیثه (۱۳۹۴)، سبک زندگی پیامبر اکرم (ص) در برابر کفار، اولین کنفرانس سبک زندگی پیامبر (ص)، ص ۱-۱۹.
- شریعتمدار جزائری، سید نورالدین (۱۳۸۵)، فقه روابط بین الملل، فصلنامه علوم سیاسی، ۹(۳۶)، ص ۱۹-۴۳.
- شعیب، میثم (۱۳۹۴)، تطبیق قاعده حرمت اعانه بر اثم در بیع ماکولات حرام به کفار با تکیه بر دیدگاه امام خمینی (ره)، اولین کنفرانس بین المللی علوم انسانی با رویکرد بومی اسلامی و تاکید بر پژوهش‌های نوین، مازندران، ساری.
- شعیب، میثم، علی اکبری بابوکانی، احسان، فخلعی، محمدتقی (۱۳۹۵)، واکاوی موانع ترانزیت کالاها، حرام به کفار در فقه امامیه، آموزه‌های فقه مدنی، ۹۵(۱۳)، ص ۷۹-۱۰۲.
- شکاری، روشنعلی، ملیحی، سیدحمیدرضا، ممتازنیا، محمدسعید (۱۳۹۶)، واکاوی فقهی آیه نفی سبیل و ادله هم سو و شمول آن نسبت به مناصب انتخابی در دولت مدرن، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ۱۳۹۶(۲۱)، ص ۳۱-۴۶.
- صفرخانی، مهدی، غفاری نقنه، راضیه، ملایی صدقیانی، جواد (۱۳۹۷)، قاعده نفی سبیل از منظر قرآن و مصادیق آن در فقه و حقوق موضوعه ایران، همایش بین المللی حقوق و فقه اسلامی، ص ۱-۲۰.
- ضیاءبخش، علی (۱۳۸۶)، قاعده نفی سلطه، معرفت، سال شانزدهم، شماره صدوپانزده، ص ۳۹-۵۰.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی التفسیر القرآن، بیروت، دوم، موسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن، رسولی، هاشم، رسولی، هاشم، مسترحمی، هدایت‌الله، میرباقری، ابراهیم، صحت، علی، شریف رازی، محمد، و دیگران (۱۳۷۷)، ترجمه تفسیر مجمع البیان. ۲۷ ج. تهران - ایران: انتشارات فراهانی.

طبری آملی، عماد الدین‌ابن‌جعفر محمد بن‌ابن‌القاسم (۱۳۸۳)، بشاره المصطفی لشیعۀ المرتضی، نجف، المكتبة الحیدریه.

عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعۀ، مصحح: موسسه آل البيت عليهم السلام، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام.

عبدالمحمدی، حسین (۱۳۸۶)، اصول برجسته در سیره اجتماعی پیامبر اکرم (ص)، معرفت، ۱۶ (۱۱۴)، ص ۱۳-۲۶.

عریضی، علی بن جعفر (۱۳۶۸)، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، محقق: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، مشهد مقدس، انتشارات المؤتمر العالمی للامام الرضا.

علوی و ثوقی، سیدیوسف (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی آیه نفی سبیل در تفاسیر فریقین، فصلنامه مطالعات تفسیری، ۸ (۳۱)، ص ۱۵۱-۱۶۴.

غفاری، هادی (۱۳۹۶)، ملاحظات اسلامی در روابط تجاری مسلمانان، قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۰)، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، کتاب العین، دوم، قم، هجرت.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۰۶)، الوافی، معلق: علامه ضیاء الدین، مصحح: کمال فقیه‌ایمانی، اصفهان، انتشارات مکتبه الامام امیرالمومنین علی.

قبولی، محمد تقی، احمدوند، محسن، فخلعی، محمد تقی (۱۳۹۵)، قاعده نفی سبیل و چالش قانون‌پذیری اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیر اسلامی از نگاه فقه شیعه، پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، ۵ (۹)، ص ۱۱۱-۱۳۱.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

- کریمی، علی اکبر، میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۶)، ضرورت مصرف کالاهای داخلی در پرتو اندیشه های مقام معظم رهبری، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۸ (۷۰)، ص ۵-۳۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۲)، الکافی، شرح: محمد صالح بن احمد مازندرانی، حاشیه نویسن: ابوالحسن شعرانی، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، المکتبه الاسلامیه للنشر و التوزیع.
- کیانی، اسماعیل (۱۳۹۵)، حقوق معاهدات بین المللی در اسلام، اولین کنگره بین المللی حقوق ایران. لوبون، گوستاو (۱۳۴۷)، تمدن اسلام و عرب، مترجم: هاشم حسینی، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- مالمیر، محمد ابراهیم، محمد دخت، اعظم (۱۳۸۷)، آیه نفی سبیل و نقش آن در تحقق اتحاد ملی و انسجام ملی، پژوهش نامه علوم و معارف قرآن کریم، سال اول، شماره یک، ص ۹-۵۴.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۶۲)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تصحیح و تنظیم: محمود دریابنجفی، بیروت، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات.
- محسن زاده، محمدصادق (۱۳۹۶)، التزام به تعهدات بین المللی به مثابه قاعده ای در فقه بین الملل، دوفصلنامه مطالعات فقه امامیه، ۵ (۹)، ص ۴۹-۶۶.
- مرتضوی هشترودی، سید محمود، تبریزی، علی (۱۳۹۸)، شاخصه های سیاست خارجی در حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن، ششمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان شناسی مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، اول، دار الکتب الاسلامی.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، افضلی قادی، فرحناز (۱۳۹۳)، تاثیر تئوری مقتضیات زمان و مکان بر احکام ذمه با رویکردی بر نظر امام خمینی، پژوهشنامه متین، ۱۶ (۶۲)، ص ۲۱-۴۹.
- مهریزی، مهدی (۱۳۷۵)، روابط اقتصادی مسلمانان با کافران، کاوشی نو در فقه، مقاله ۷، دوره ۳، ش ۸-۷، ص ۲۹۵-۳۹۴.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۵)، فقه و همزیستی با کافران، مجله فقه، سال چهارم، شماره هشت، ص ۳-۱۰.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، موسسه آل البيت لاحیاء التراث.

ولی پور پاشاکلائی، عباس، یدالله پور، محمدهادی (۱۳۹۴)، تحریم دوستی با کفار از نگاه قرآن کریم، دومین کنفرانس بین المللی اقتصاد مدیریت و فرهنگ ایرانی اسلامی، اردیبهشت، ص ۱۳۴۳-۱۳۵۵.

هاشمی رفسنجانی، اکبر و همکاران (۱۳۸۶)، فرهنگ قرآن، موسسه بوستان کتاب.

هاشمی شاهرودی، محمود و جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

هاشمیه، لیلاسادات، رحیمی، روح الله (۱۳۹۴)، تعارضات و مشکلات اعمال قاعده نفی سبیل و راه حل آن با توجه به اصل ۱۵۳ قانون اساسی، دومین همایش ملی عدالت اخلاق فقه و حقوق، ص ۱-۱۹.

لوح فشرده مطبوعات فارسی ایران، روزنامه حبل المتین، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.

Carbaugh R.J. (2014), International Economics, Fifteenth Edition, The US, Cengage Learning.

Ferranti D., G. Perry, D. Lederman, W. Maloney (2002), From Natural resources to the knowledge economy: trade and job quality, The World Bank, pp. 1-186.

Krugman P.R. (2003), International Economics Theory and Policy, Sixth Edition, Addison Wesley Publication.

Salvatore D. (1987), Theory and Problems of International Economics, Singapore, McGraw-Hill.

Salvatore D. (2013), International Economics, eleventh Edition, The US, Wiley Publication.

Thompson H. (2006), International Economics Global Markets and Competition, Second Edition, London, World Scientific Publishing Company.

